



سیر آغاز

سیامک شادکام

**داعشی خوب داعشی بد!**

ادامه در صفحه ۱۱

سال‌های اول دانشگاه در مقطع کارشناسی بود که با جمعی از دوستان بر پایه دغدغه‌هایی مشترک شروع به مطالعه در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اعتقادی کردیم. از آنجا که در بسیاری از موضوعات شاید برای اولین بار بود مطالعه می‌کردم سوالات بسیاری در ذهنم ایجاد می‌شد. از حقوق انسان‌ها در اسلام و نقطه مقابله در غرب گرفته تا سوال پیرامون انسان محوری و خدامحوری در نگاه به مسائل اجتماعی و سیاسی! به مرور زمان با مطالعه بیشتر و تجارب گوناگون باعث شد تا جواب بسیاری از سوالاتی که می‌تواند ذهن یک جوان را درگیر کند را پیدا کنم. شاید آخرینش همین مسئله داعش و گروه‌های تروریستی باشند که به جان جوامع اسلامی افتادند و این اواخر هم یقه غرب را گرفتند. غرض آنکه سالهاست دنیای اسلام از نگاه‌های افراطی ضربه می‌خورد و شاید آمار کشته شدگان مسلمان در قرن اخیر سرسام‌آور باشد. مردم بی‌گناهی که با از حکام خود رنج برده‌اند یا از سردمداران غرب. چند سالی است که گروهکی تروریستی با نام داعش هر روز خبرساز می‌شود. چند سالی در سوریه و عراق به جان مردم بی‌گناه افتاده و هر روز زنان را به اسارت برده و فرزندانشان را آواره می‌کند. در کوی و برزن مردم را به فجیع‌ترین وضع قتل عام می‌کند و کودکی کودکان را سیاه. این تروریست‌های وحشی بعد از چند سال جنایت‌های انسانی و فرهنگی و... در سوریه و عراق چند روزی است که به جان اروپا افتاده‌اند. آمار عجیبی از ملحق شدن مردم اروپا به گروهک‌های تروریستی داعش و النصره و... به چشم می‌آید که خطرات بسیاری را می‌تواند برای اروپا به بار آورد.

حجت الاسلام محمدیان در شماییش امتداد عاشورا:

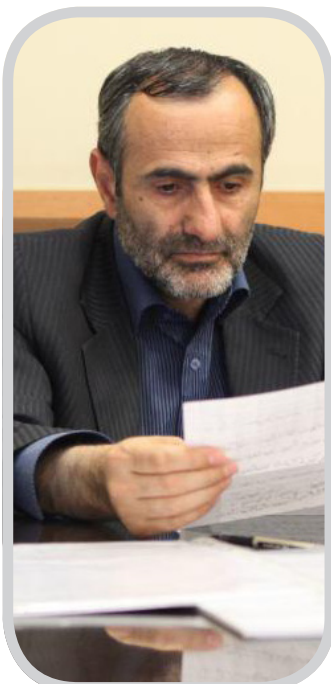
**انقلابیون خسته  
بروند استراحت کنند**

صفحه ۲



- از همین حالا شروع کنید ..... صفحه ۳
- زندگی مشترک با پازلی نامرتب از مهر و جهاز ..... صفحه ۴
- تغییر نکنیم، چه کنیم؟ ..... صفحه ۵
- سفرهای جکی مارکو ..... صفحه ۸
- از رضا میر پنجی تا رضا شاهی ..... صفحه ۹

**تولید علم در دانشگاه‌های نسل سوم نباید کمرنگ شود**



معاون پژوهشی دانشگاه در نشست شورای دانشگاه بر لزوم توجه به تولید و اشاعه دانش در دانشگاه‌های نسل سوم و کارآفرین تأکید کرد. دکتر فتح الهی معاون پژوهشی دانشگاه در این نشست در خصوص برداشت‌های غلطی که در خصوص تبدیل علم به ثروت در دانشگاه‌ها ایجاد شده است گفت: در دانشگاه نسل سوم و کارآفرین، علم یک سرمایه بی‌پایان است و کشورهایی که هم اکنون دانشگاه‌های نسل سوم در آنها دایر است چشمه جوشان تولید علم را تعطیل نکرده‌اند و این جریان کارآفرینی و تبدیل علم به ثروت به چشمه تولید علم متصل است و باید معدن اصلی موجود باشد تا بتوانیم با فراوری آن به نتیجه برسیم. وی افزود: ساختار علم سه مولفه دارد که عبارتند از: تولید دانش و دانش پژوهی، اشاعه دانش و کاربرد دانش. در واقع کاربرد دانش قائم به تولید و اشاعه دانش است و ما باید کاربرد دانش را توسعه دهیم اما این به معنای تعطیل کردن تولید علم نیست. وی خاطر نشان کرد: سربازان علمی جمهوری اسلامی باید با تمام قوت و توان به تولید دانش که در نهایت منفعت و سود اجتماعی و اقتصادی داشته باشد

بپردازند تا بتوانیم در چند دهه آینده پرچمداری علم را در جهان داشته باشیم. وی تأکید کرد: علم نافع، ارزش ذاتی، عملی و غایی دارد. شریف بودن علم همان ارزش ذاتی آن است و ارزش عملی علم هم این است که در زندگی مردم و جامعه تأثیر داشته باشد و تضمین آن برای آخرت نیز ارزش غایی آن به شمار می‌رود و دستیابی به این علم کار پیچیده‌ای است.

**علم نه دینی است و نه غیر دینی**



خواهد بود که تلاش برای غیر دینی معرفی کردن آن. دکتر فلاح رفیع در ادامه، با اشاره به آیاتی از قرآن کریم به این نکته اشاره نمودند که عالمان، اندیشمندان و مبلغان دین می‌بایست پیش و بیش از آنکه برای دینی کردن علم تلاش کنند، درصد برآیند تا انسان‌ها را دینی و خداباور نمایند. اگر انسانی خداباور شد، آنگاه نه تنها علم، که ذره ذره‌ی عالم وجود را خدایی و دینی می‌بیند و اگر چنین نباشد، به هیچ وجه نمی‌تواند رنگ دینی به علم زد، و نه تنها به علم که به هیچ چیزی در این عالم نمی‌توان عنوان دینی و خدایی را اطلاق نمود. ایشان تلاش در مسیر علوم انسانی - اسلامی را نیز مشمول همین حکم دانستند و افزودند: این کار بیش از اینکه به نفع دین باشد، به ضرر دین خواهد بود و اگر ما بتوانیم بخش اندکی از علوم را نیز از این طریق، دینی معرفی کنیم، در بخش اعظم علوم از عهده این کار بر نمی‌آییم. در پایان جلسه، برخی استادان و دانشجویان پرسش‌هایی را در این زمینه مطرح نمودند که سخنران به پاسخ آنها پرداخت. گفتنی است این سلسله نشست‌ها از سوی کمیته‌ی کرسی‌های نظریه‌پردازی و زیرنظر معاونت پژوهشی دانشگاه برگزار می‌گردد.

سومین نشست از سلسله نشست‌های نظریه‌پردازی و نقد و نظر در دانشگاه تربیت مدرس به موضوع «علم دینی و غیر دینی، تفسیر دینی و غیر دینی» اختصاص داشت. در این نشست که با حضور جمعی از استادان و دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، دکتر علی فلاح رفیع، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس، به ارائه‌ی نظرات خود در زمینه‌ی وجود و عدم وجود علم دینی و غیر دینی پرداختند. دکتر فلاح رفیع سخنان خود را حول ۶ محور تجربه و تفسیر، فلسفه ورزی در تفسیر، تعدد تفسیرها و عوامل آن، تعدد مذموم، تعدد ممدوح، تفسیرها و نظریه‌ها و نکات قابل تأمل بیان نمودند. همچنین پس از تفکیک و تبیین تفصیلی عناوین مذکور، به این پرسش اساسی پرداختند که آیا می‌توان گفت علم دینی است یا نمی‌توان گفت؟ اگر نتوان گفت، آیا غیر دینی است؟ ایشان پس از توضیح جوانب گوناگون بحث افزودند: با توجه به مطالب گفته شده می‌توان به این مهم اشاره نمود که علم، نه دینی و نه غیر دینی است. آنچه علم را دینی یا غیر دینی می‌کند، مفسر و به عبارتی عالم است. بر این اساس، هرگونه تلاش برای دینی معرفی کردن علم به همان اندازه بی نتیجه و ابتر



حجت الاسلام محمدیان در همایش امتداد عاشورا:

## انقلابیون خسته بروند استراحت کنند

شعار مرگ بر آمریکا و استکبارستیزی سر بدهیم؟ دیگر بس است ما هم نیاز به زندگی و تفریح داریم! این عده چرب و شیرین دنیا برایشان جلوه پیدا کرده است.

بسیج فراجانحی است

حجت الاسلام محمدیان بسیج را فراجانحی خواند و افزود: دوش بسیج زیر بار امانت مهمی به اسم انقلاب اسلامی است و میلیاردها انسان در طول تاریخ آرزو داشتند در جایگاهی که امروز بسیجیان ما هستند حضور داشته باشند. در جایگاه سرگردی که آماده فداکاری در مسیر مجاهدان است و برای شهیدان گام بر می‌دارد و نقطه امید رهبر است. جایگاهی که با هیچ یک از غنیمت که بعضی امروز جمع می‌کنند قابل مقایسه نیست.

انقلابیون خسته بروند استراحت کنند

ما آرزو می‌کنیم آن‌ها هم برگردند!

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در خصوص این که آینده بسیج کجا است گفت: من آینده بسیج را بسیار روشن می‌بینم و افق پیش‌روی آن‌ها روشن است. حالا که عده‌ای از انقلابیون ما جز خستگاند بروند استراحت کنند ما آرزو می‌کنیم آن‌ها هم برگردند. شما به عنوان بسیجیان این ملت باید حواستان باشد که شما را به مسائل حاشیه‌ای و کوچک مشغول نکنند چرا که امروز جهان اسلام آغوشش را برای پذیرش تفکر شیعی باز کرده است پس مبدا گرفتار این مجلات و خبرگزاری‌های شوبد که سعی دارند صحنه‌های تاریکی بر ایمان ترسیم کنند.

مراقب نفوذی‌ها باشید

حجت الاسلام محمدیان در پایان سخنرانی خود با هشدار نسبت به خطر نفوذی‌ها افزود: امروز نفوذی‌ها همه به دنبال این هستند که بذریاس بر دل انقلابیون بپاشند و بگویند افراطی و تندرو هستند و هر عقب ماندگی که داریم بخاطر این افراطی‌هاست. مبدا از این جوسازی‌ها، شانناژها تردیدی پیدا کنید. اگر طرفداری از امام، نظام، شهیدان و ایستادگی بر اصول و ارزشها افراطی بودن است همه ما افراطی هستیم و به آن افتخار می‌کنیم.



مسلمانان پیروز شوند و چه شکست بخورند آنها باید در آن تنگه بمانند چرا که پیامبر آنقدر این تنگه را استراتژیک دانسته بود که می‌دانست شاید یکی از راه‌های شکست آن‌ها از همان جا باشد. عده‌ای کارشان فقط غنیمت جمع کردن است

حجت الاسلام محمدیان در ادامه سخنان خود خاطر نشان کرد: هنگامی که مسلمانان در جنگ احد پیروز شدند دشمن عقب نشینی کرد و آن‌ها شروع به جمع کردن غنایم کردند و کسانی که مامور شده بودند در تنگه احد بمانند هنگامی که دیدند کار تمام شده به دستور فرمانده خود گوش ندادند و تنگه را رها کردند. دشمنی که شکست خورده بود از همان تنگه عبور کرد و آن جنگ با شکست سخت مسلمانان به پایان رسید. امروز باید بدانیم در جمهوری اسلامی ایران کسی غیر از بسیج در تنگه احد قرار نگرفته است عده‌ای دارند غنیمت جمع می‌کنند و آن عده کارشان همین است. آن‌جا که جای هزینه دادن و جان دادن است آن‌ها پدیدایشان نمی‌شود. بسیجی کسی است که می‌بیند دیگران غنیمت جمع می‌کنند اما تنگه را رها نمی‌کند. عده‌ای از انقلابیون امروز خسته شده‌اند

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با اشاره به اینکه حتی عده‌ای از انقلابیون امروز خسته شده‌اند عنوان کرد: این عده می‌گویند تا کی انقلابی بمانیم؟ چندین سال

رئیس نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با بیان اینکه یکی از برجسته‌ترین اقدامات امام(ره) در طول دوران رهبری ایشان تاسیس بسیج است افزود: امام خمینی(ره) با تاسیس بسیج حرکت انقلاب اسلامی را بیمه کردند که نه فقط ملت ما بلکه ملت‌های دیگر دنیا نیز امروز از میوه‌های این شجره طیبه بهره می‌برند.

وی با اشاره به این سخن امیرالمومنین مبنی بر اینکه کسانی که از میوه خداوند بهره می‌برند که از گذشته، حال و آینده خود آگاهی داشته باشند خاطر نشان کرد: گذشته بسیج همان فرهنگ علویان است که به جرات می‌توان بگویم هیچ جریانی در دنیا به اندازه علویان کشته ن داده و هیچ جریانی به اندازه آن‌ها بر سر اعتقاداتش ایستادگی و هزینه نکرده است پس بدانید گذشته بسیج از دوران امیرالمومنین(علیه‌السلام) شروع می‌شود و باید خدا را به پاس داشتن چنین گذشته‌ای شکر کنیم چرا که ملتی که ریشه نداشته باشد با طوفان که هیچ با یک باد عادی کننده می‌شود.

بسیج امروز در تنگه احد قرار گرفته است

این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص این که جایگاه بسیج امروز در کجا قرار دارد گفت: بسیج امروز در تنگه احد قرار گرفته است. احدی که همه داستان آن را می‌دانیم زمانی که مسلمانان با دشمن خود مواجه شدند پیامبر عده‌ای را مامور کرد تا در تنگه احد بمانند و به آن‌ها دستور داد که چه



سودابه شجاعی

به مناسبت بزرگداشت هفته‌ی بسیج همایشی با عنوان امتداد عاشورا با حضور حجت الاسلام محمدیان رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های سراسر کشور و برخی از روسای دانشگاه‌ها، معاونین و مدیران وزارت علوم، فرماندهان بسیج کارکنان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به میزبانی دانشگاه تربیت مدرس برگزار گردید.

جهان امروز به روحیه بسیجی نیاز دارد

در ابتدای این مراسم دکتر احمدی رئیس دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به اینکه بسیجی بودن در دانشگاه بسیار سخت‌تر از محیط‌های دیگر است، گفت: ضروری‌ست که بسیج به لحاظ مبانی نظری و عقیدتی، اخلاقی و مذهبی مسلط به دانش باشد تا در مواجهه و برخورد با دانشگاهیان درخشش شایسته‌ای داشته باشد. رئیس دانشگاه با اشاره به اینکه بسیجیان باید در ارائه اخلاق اسلامی به گونه‌ای بدرخشند که همه غیر بسیجیان به عنوان یک الگو به آن‌ها نگاه کنند ابزار امیدواری کرد: امیدوارم فعالیت ارزشمند بسیج در چارچوب فعالیت‌های دانشگاه سرمنشأ برکات بزرگی باشد و برای ارتقاء اخلاقی، تقویت وجدان کاری و افزایش روحیه ایمان کارکنان مفید واقع شود. وی خطاب به بسیجیان افزود: از شما تقاضا دارم تا در این زمینه، مدیریت‌های مختلف دانشگاه را کمک کرده و به انتقاد و خرده‌گیری نپرداخته و در عوض در راه رفع مشکلات ما را یاری کنید.

دکتر احمدی در پایان افزود: جهان امروز به روحیه‌ی بسیجی نیاز دارد تا با خودآگاهی و تسلط بر مبانی عقیدتی و تقوا و اخلاقی اسلامی آمیخته با ایثار و فداکاری به عموم، درس زندگی به مفهوم واقعی اسلامی بدهند.

امام(ره) با تاسیس بسیج حرکت انقلاب اسلامی را بیمه کرد

حجت الاسلام محمدیان رئیس نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها دیگر سخنران بعدی این همایش بودند. وی در بزرگداشت مقام بسیج بیان داشت: بسیج، نهالی است که امروز به یک درخت تناور تبدیل شده است و هر کسی که انقلاب اسلامی را مورد مطالعه قرار دهد، تاسیس بسیج را به عنوان یکی از نقطه‌های پر فروغ و بسیار درخشان آن قلمداد می‌کند.



### دکتر حیدری در جمع بهترین‌های دنیا

دکتر اکبر حیدری عضو هیأت علمی بخش شیمی دانشکده علوم پایه به عنوان دانشمند یک درصد ISI رشته شیمی در ابعاد بین‌المللی انتخاب شد.

موسسه اطلاعات علمی ISI که یک مرجع معتبر علمی بین‌المللی است، همه ساله با ارزیابی و بررسی تحقیقات انجام شده و مقالات علمی منتشر شده از سوی دانشمندان کشورهای مختلف جهان و امتیازدهی به سطح علمی و فعالیت آنان، دانشمندان برتر را انتخاب و معرفی می‌کند.

معیار ورود به فهرست دانشمندان یک درصد برتر در هر گرایش علمی، کسب تعداد معین ارجاع به مقالات منتشر شده در پایگاه اطلاعات علمی Web of science براساس آستانه‌های مشخص شده برای هر گرایش علمی است که با مقایسه میانگین ارجاعات مقالات در ۱۰ سال گذشته، اقدام به معرفی بهترین‌ها می‌کند.

گفتنی است دکتر اکبر حیدری مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود در شیمی آلی را به ترتیب از دانشگاه تهران و دانشگاه گیسن دریافت کرد و هم اکنون با رتبه علمی استاد در بخش شیمی دانشگاه مشغول فعالیت است.

زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی تهیه کاتالیست‌ها، تهیه مواد موثره دارویی واکنش‌های چند جزئی است. از تجارب تحقیقاتی دکتر حیدری می‌توان به طرح صنعتی تهیه اکسی کدون هیدروکلراید اشاره کرد. وی تاکنون راهنمایی پایان نامه و رساله ۳۲ دانشجوی کارشناسی ارشد و ۱۰ دانشجوی دکتری را به عهده داشته است.

نشریه چشمه کسب این موفقیت بزرگ را به دکتر اکبر حیدری تبریک گفته و از خداوند منان آرزوی توفیق بیش از پیش را برای ایشان مسئلت می‌کند.



## از همین حالا شروع کنید

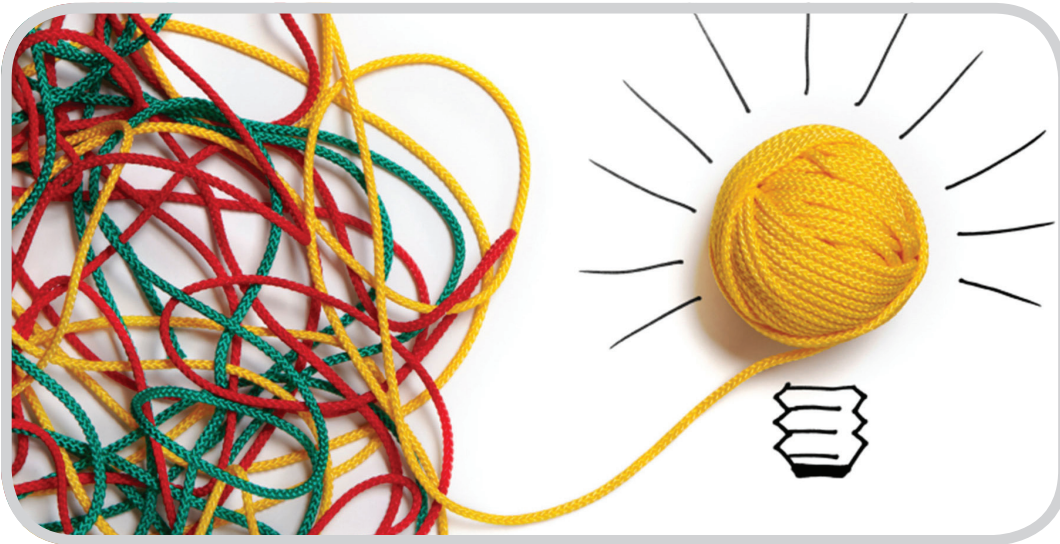
مشاهیر



دکتر خواجه برنده جایزه علامه طباطبایی شد

چهارمین دوره اعطای جایزه نخبگی «علامه طباطبایی» یکشنبه بیست و چهارم آبان ماه، طی مراسمی با حضور دکتر جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، دکتر ستاری، معاون علمی رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان و دکتر فرهادی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سالن شهید بهشتی نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شد. چهارمین جایزه علامه طباطبایی به ۱۸ تن از اساتید نخبه و پیشکسوت حوزه‌های مختلف علمی کشور اعطا شد که در میان این اساتید برتر، نام دکتر خسرو خواجه استاد برجسته دانشگاه تربیت مدرس به چشم می‌خورد. دکتر خسرو خواجه استاد رشته بیوشیمی و علاقمند به حوزه زیست فناوری آنزیم‌هاست. وی پس از اخذ مدرک تحصیلی لیسانس زیست‌شناسی از دانشگاه شیراز، در رشته بیوشیمی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران تحصیل کرد و از سال ۸۱ به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز نمود.

دکتر خواجه در سال ۸۳ به عنوان مدیر گروه بیوشیمی و از سال ۸۴ به مدت ۵ سال معاون آموزشی دانشکده علوم پایه بود و با تأسیس دانشکده علوم زیستی ریاست آن را بر عهده گرفت. گفتنی است جایزه علامه طباطبایی یکی از مهمترین جوایز علمی کشور است که به استادان و دانشمندان برجسته کشور در حوزه‌های مختلف علمی تعلق می‌گیرد. اساتید مشمول جایزه علامه طباطبایی از سوی بنیاد ملی نخبگان به عنوان «اساتید برجسته کشور» معرفی می‌شوند و این استادان به دلیل سوابق علمی، آموزشی و پژوهشی خود مشمول حمایت‌های ویژه بنیاد ملی نخبگان قرار می‌گیرند.



حاضرین اجازه می‌دهد نظرهای خود را با توجه به دیدن تمام ایده‌ها اصلاح یا تغییر دهند. این کار تا زمانی که بتوان به یک یا چند ایده محدود رسید؛ ادامه می‌یابد. برای مرحله آخر بهتر است در خصوص یک یا چند نظری که تمام افراد اتفاق نظر دارند بررسی و بحث جمعی شده، تا این پیشنهاد با پختی بیشتری به تأیید همه افراد برسد.

مدیر جلسه توضیحی در خصوص مساله یا موضوع مورد نظر (به عنوان مثال، شروع کسب و کار جدید در یک حوزه خاص) را تشریح نموده و از حاضرین بخواهد در این خصوص نظرات خود را در یک برگه (بدون نام ارائه دهنده) یادداشت کنند. بعد از این مرحله تمام نظریات در یک بُرد یادداشت شود تا همه، آنها را ببینند. سپس یک بار دیگر مدیر جلسه موضوع را با توجه به نظرات ارائه شده تشریح کرده و به

منظم هفتگی یا ماهیانه با افراد گروه تشکیل شود. در این جلسات حتماً یک نفر از دانشجویان به عنوان مدیر جلسه تعیین شود. بهتر است این فرد باتجربه‌تر از دیگران باشد؛ با اداره جلسات گروهی آشنایی نسبی داشته باشد. در جلسات گروه‌ها، بهتر است برای شروع کارآفرینی و ایجاد تفکرات خلاقانه هرگونه انتقاد از ایجاد تفکرات جدید را ممنوع کنید. اگر می‌خواهید تفکرات جدید بکرتر و بیشتر باشد ابتدا

امیر صادقی  
دبیرانجمن علمی مدیریت  
دانشگاه تربیت مدرس

کارآفرینی دانشجویی با توجه به محیط دانشجویی و امکان ارتباط مستمر حداقل دو ساله می‌تواند بسیار کارا باشد. دلیل این ادعا در کنار هم بودن دانشجویان، هم در فضای کلاسی و هم در فضای خوابگاهی است. اگر چند تن از دانشجویان که دارای عقاید نسبتاً هماهنگی هستند در کنار هم و با شروع فعالیت آموزشی در اوقات فراغت شروع به فعالیت کارآفرینی و اقتصادی بکنند، فعالیت اقتصادی آنها می‌تواند در انتهای تحصیل به ثمر نشسته و صاحب کسب و کار مستقل باشند. دانشجویان هم تخصص و هم رشته در یک فعالیت کارآفرینی مرتبط، دارای هم افزایی خیلی بیشتری از فعالیت تک تک آنها خواهند بود. فعالیت‌های کارآفرینی گروهی در صورتی که از آفات فعالیت گروهی به دور باشد، بسیار کارا تر و اثربخش‌تر از فعالیت فردی خواهد بود.

پیشنهاد می‌شود فعالیت‌های کارآفرینی از کلاسهای درس و خوابگاه‌ها کلید بخورد. برای این کار بهتر است جلسات

## دکتر افروز در نشست مبانی روانشناختی ازدواج:

## طلاق نتیجه بی‌دقتی در انتخاب است



فرزندان است و بچه‌ها باید در آرامش رشد کنند. رئیس اندیشکده خانواده در ادامه با اشاره به اینکه از هر ۴ ازدواج یکی به طلاق، یکی به درگیری، یکی به بی‌تفاوتی و یکی به رضایتمندی می‌انجامد گفت: طلاق نتیجه بی‌دقتی در انتخاب است. انتخاب همسر مهم‌ترین، سرنوشت‌سازترین و ماندگارترین انتخاب زندگی هر فرد می‌باشد. برای انتخاب همسر باید یک

ذره بین بزرگ برداشت و به ارزیابی دقیق پرداخت. پس از آن مشورت و هم‌اندیشی نیز برای انتخاب صحیح لازم است. اولین قدم دقت در انتخاب است به دنبال آن باید به شناخت دست

وی دستیابی به آرامش را اساسی‌ترین هدف ازدواج برشمرد و افزود: دو منبع برای رسیدن به آرامش وجود دارد. یکی خداوند متعال است و پس از آن، زندگی در کنار خانواده که شامل همسر و پدر و مادر می‌شود. ازدواج برای فرزند آوری و ارضای غرایز جنسی نیست بلکه هدف اصلی رسیدن به آرامش است که همانا خوشبختی حقیقی است. فرزند آوری و رفع نیازهای جنسی و تمایلات نفسانی نتایج و پیامدهای قهری ازدواج هستند. همسر مطلوب آرامش بخش و آرامش آفرین است. زنان باید آرامش آفرین و شوهران سنگربان آرامش زنان خود باشند. خانواده اولین آموزشگاه



نشست علمی - فرهنگی مبانی روانشناختی ازدواج با عنوان انتخاب دقیق، ازدواج آسان با حضور دکتر غلامعلی افروز استاد ممتاز دانشگاه تهران در سالن اجتماعات شهید مطهری دانشگاه برگزار شد. موضوع سخنرانی در کنار نام دکتر افروز سبب شد تا سالن مملو از دانشجویان شود. آنچه که در ادامه می‌خوانید گزارشی از سخنرانی این استاد فرهیخته می‌باشد. در ابتدای این نشست دکتر افروز با بیان این نکته که خداوند متعال زوج آفرین است بر ازدواج به عنوان نیاز فطری بشر تأکید کرد و گفت: ازدواج یک نیاز است که در فطرت بشر نهادینه شده و افرادی که از روی عمد به ازدواج تن نمی‌دهند عموماً در آینده به افسردگی و اضطراب دچار می‌شوند. ازدواج موقت، ازدواج با همجنس و پارتنر شیب نیز روش‌هایی است که با موفقیت روبه‌رو نبوده و بشر بر اساس فطرت خود همسری همیشگی و جاودانه می‌خواهد.

ازدواج برای فرزند آوری و ارضای غرایز جنسی نیست بلکه هدف اصلی رسیدن به آرامش است که همانا خوشبختی حقیقی است. فرزند آوری و رفع نیازهای جنسی و تمایلات نفسانی نتایج و پیامدهای قهری ازدواج هستند. همسر مطلوب آرامش بخش و آرامش آفرین است.

۲۷ سال کار پژوهشی من نشان داده که ریشه‌های زندگی ماندگار در جاذبه‌های روانی، عاطفی، رفتاری و جنسی زوجین است و مقدمه جاذبه جنسی، جاذبه عاطفی و روانی می‌باشد. فردی که بالفعل و بالقوه آرامش آفرین باشد همسر مطلوب به شمار می‌آید. زن و شوهر باید قابلیت تن پوشی روانی و نفسانی یکدیگر را داشته باشند.

# زندگی مشترک با پازلی نامرتب از مهر و جهاز

اتفاقیه



## معیارتان را مشخص کنید

حجت الاسلام عباس ولدی



دو جوان تصمیم به ازدواج گرفته بودند. از من خواستند تا کفویت این دو را بررسی کنم. با دختر خانم که صحبت کردم، بحث از مسائل اقتصادی پیش آمد. گفتم از نظر شما زندگی اقتصادی چگونه باید باشد؟ گفت: معمولی. گفتم: معمولی، یعنی چه؟ گفت: معمولی دیگر، برای اینکه بدانند معمولی یک حرف کلی است که در نظر هر کسی تفسیری دارد، به او گفتم: اگر شما با این پسر ازدواج کردید، برای زندگی چه خانه‌ای را از او مطالبه می‌کنید؟ گفت: خانه‌ی معمولی. گفتم: خانه‌ی معمولی یعنی چه؟ گفت: فکر نمی‌کنید پیش از ازدواج حرف زدن درباره‌ی خانه‌ای که می‌خواهیم در آن زندگی کنیم زود است؟ گفتم: شما همین که خواستید زندگی مشترکتان را شروع کنید، اولین بحثی که پیش می‌آید، محل سکونت است. برای اینکه باز هم پرسش‌ها برای او واضح‌تر شود گفتم: اگر همسر شما زیرزمینی را در پایین شهر اجاره کند، حاضر هستید در آن زندگی کنید؟ گویا که به او برخوردی باشد با حالت خاصی گفت: اصلاً. گفتم: پس معلوم است تفسیر شما از «معمولی»، به آنچه من می‌گویم کمی متفاوت است. گفت: خانه معمولی از نظر من یعنی خانه‌ای در طبقه اول؛ آن هم در فلان نقطه شهر. اجاره جایی که او مشخص کرد، از اندازه کل حقوق آن پسر هم بیشتر بود. این دختر هم نمی‌توانست در جایی که پسر قصد داشت خانه‌ای بگیرد، زندگی کند. داشتن معیارهای کلی با نداشتن معیار، تفاوت چندانی ندارد. باید تفسیر شما از معیارها کاملاً مشخص شود تا بتوان به وسیله آن انتخاب درستی انجام داد.



منیره سادات میراحمدی  
دانشجوی کارشناسی ارشد  
مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس

این روزها دو واژه هست که تن گروه از آدم‌ها رو به لرزه درمیاره: «جهیزیه»، که تن پدر دختر رو می‌لرزونه و «مهریه»، تن پسر طالب ازدواج رو. جهازهای چند ده میلیون تومانی و مهرهای کهنکشان. جوانانی که با دست پس می‌زنند و با پا پیش می‌کشند و در دو راهی تاهل و تجرد مانده‌اند. پرسش‌هایی که همیشه اذهان آنان را مشغول می‌کند: آیا این مهرها و جهازهای سد راه ازدواج، در شریعت مقدس اسلام آمده است؟ کدامیک در قانون ما جای گرفته؟ به کدامیک و تا چه اندازه باید پاسخ مثبت داد؟

«مهر» یا «صداق»، مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌شود و مرد ملزم به دادن آن است و نیز عندالمطالبه است. مهریه پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد که در کلام وحی الهی نیز بدان اشاره شده است: در داستان ازدواج حضرت موسی (ع) با دختر شعیب (ع) - در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی قصص - مهریه به چشم می‌خورد: (شعیب) گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست؛ من نمی‌خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم؛ و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت». در این آیه دو نکته‌ی مهم به چشم می‌خورد: ۱. شعیب، موسی (ع) را در انتخاب حداقل یا حداکثر مهریه آزاد گذاشت و بر او سخت نگرفت، ۲. در امر ازدواج ملاحظه‌ی دامادش را کرد که از او چه کاری بر می‌آید و همان را بعنوان مهریه قرار داد (هشت سال تا ده سال کار).

آیه‌ی ۴ سوره‌ی نساء نیز به مهریه اشاره دارد: و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه) به آنان بپردازید! (ولی) اگر آن‌ها چیزی از آن

را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید!»

میزان مهریه بستگی به توافق طرفین دارد، ولی شرع مقدس اسلام تأکید بر تقلیل آن دارد و مهرالسنة را مستحب می‌داند. مهرالسنة میزان مهری است که پیامبر (ص) برای همسران و دختر گرامیش فاطمه زهرا (س) قرار دادند. مهریه‌ی حضرت زهرا (س) پانصد درهم بود و به حساب روز تقریباً برابر با ۱۴ سکه‌ی بهار آزادی است. در قانون مدنی نیز مواد ۱۱۰۱-۱۰۷۸ در باب مهریه است.

حال برای جهیزیه چه تعریفی داریم؟ «آنچه که خانواده‌ی دختر باید تمام و کمال برای زندگی دخترش فراهم کند؛ از ظروف پلاستیکی آشپزخانه گرفته تا تلویزیون LCD، تا مایکروفر و مبلمان»؟؟؟ آیا این نیز تعریفی است شرعی و قانونی، یا از طریق جامعه بر خانواده‌ی دختر تحمیل شده است؟ کدامیک درست است: فراهم نمودن تمام اسباب زندگی توسط پدر دختر؟ تهیه‌ی نیمی از جهاز و کالاهای سنگین توسط داماد؟ یا...؟

در قرآن کریم آیه‌ای که بر جهیزیه اطلاق نماید، یافت نمی‌شود. لیکن در سنت و سیره‌ی اهل بیت (ع) نمونه‌ی بارز بهترین آن‌ها را در ازدواج امیرالمومنین علی (ع) و حضرت زهرا (س) می‌بینیم. زمانی که پیامبر (ص) پس از دریافت رضایت دخترش به ازدواج، به علی (ع) می‌فرماید تا به خرید جهیزیه اقدام کند و ایشان نیز با فروش زره، لوازمی ضروری را برای آغاز زندگی ساده و بی‌تکلف فراهم می‌نمایند. پس در ازدواج نور با نور، نکته‌ی حائز اهمیت اینجاست: «مهریه‌ای اندک در مقابل فراهم نمودن اسباب زندگی توسط امیرالمومنین علی (ع)».

اما متأسفانه ما در دورانی معکوس به سر می‌بریم. اکنون خانواده‌ی دختر، شأن و منزلت دختر خویش را در فراهم کردن جهیزی سنگین و رنگین می‌دانند و آن را حربه‌ای می‌دانند برای بستن دهان... اما سوال ما این است که سیره و شریعت در کجای زندگی ما نقش بسته است؟ آیا



هستند.

حقیقت تلخه. اما متأسفانه باید گفت که این گره‌ها به دست گذشتگان خود ما بسته شده و اکنون در دست ماست، اما امکان باز شدنش هم وجود دارد. بالاخره باید از یک جایی شروع کرد. یادمان باشد که عرف را خود ما ساخته‌ایم و می‌سازیم. پس نسل امروز می‌تواند عرفی بر پایه‌ی منطق و شریعت بنا نهد که هم آغازکننده‌ی زندگی مناسب و متعادل باشد و هم موجب دوام آن. نه مهریه‌ی سنگین موجب دوام زندگی شده و نه جهازهای آنچنانی موجب بالا رفتن منزلت زن، که اگر می‌شد آمار تکان‌دهنده‌ی طلاق را بدین شکل نداشتیم. پس شاید گام اول در تغییر عرف غلط کنونی این باشد: «جهیزیه‌ی کم در مقابل مهریه‌ی کم»، تا انشاءالله در آینده به اصل و حقیقت خود نزدیک‌تر شود.

اکنون خانواده‌ی دختر، شأن و منزلت دختر خویش را در فراهم کردن جهیزی سنگین و رنگین میدانند و آن را حربه-ای میدانند برای بستن دهان این و آن. اما سوال ما این است که سیره و شریعت در کجای زندگی ما نقش بسته است؟ آیا آغاز زندگی کنونی زوجهای جوان بر پایه‌ی منطق، عقل و شرع است؟



حال برای جهیزیه چه تعریفی داریم؟ «آنچه که خانواده‌ی دختر باید تمام و کمال برای زندگی دخترش فراهم کند؛ از ظروف پلاستیکی آشپزخانه گرفته تا تلویزیون LCD و مایکروفر و مبلمان»؟؟؟ آیا این نیز تعریفی است شرعی و قانونی، یا از طریق جامعه بر خانواده‌ی دختر تحمیل شده است؟



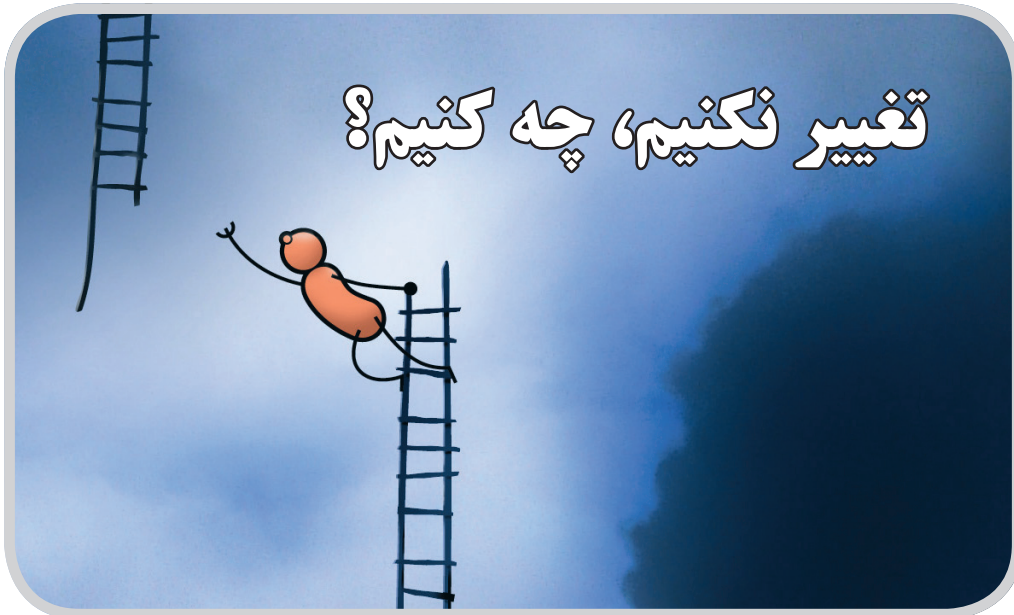
زهراسمعی زفرقندی  
دانشجوی دکتری فقه و حقوق

اگر شما با چنین سؤالی مواجه شوید، چه می‌کنید؟  
«آخرین باری که تغییر کرده‌اید، چه زمانی بوده است؟»

احتمال می‌دهم حتی اندک زمانی، به این سؤال فکر خواهید کرد. اما اگر آن را یک جمله و سؤال ساده می‌بینید، معلوم است شما در دنیای دیگری سیر می‌کنید، و یا آنقدر مشغول بازی دنیا شده‌اید که عمق این سؤال را نمی‌بینید (نمی‌گوییم نمی‌فهمید)؛ در این صورت پیشنهاد می‌کنم این متن را نخوانید، چون مخاطب اصلی این نوشته، فردی است که درگیر این سؤال شده است.

حال برای این افراد می‌نویسم. آنها که دغدغه پاسخ به این سؤال را دارند، باید بدانند جزو کدام یک از گروه‌های زیر هستند:

۱. اگر از آن دست افرادی هستید که با خود فکر می‌کنید: اصلاً لزومی به تغییر کردن وجود دارد یا خیر؟ باید بگوییم که کل نظام هستی در حال تغییر، حرکت و پویایی است. از تغییرات آب و هوا، فصول و طبیعت گرفته، تا تغییرات طبیعی و جسمی انسان. بشر از دوران طفولیت تا پیری، پیوسته در حال تغییر جسمی است. و هر یک از این تغییرات نشان دهنده وضعیت و حالتی در فرد است که نحوه برخورد افراد دیگر را با او مشخص می‌کند. مثلاً یکی از قوانین نانوشته در استفاده از وسایل نقلیه عمومی، جا دادن به سالخورده‌گان به خاطر وضعیت جسمانی آنهاست. در واقع می‌خواهم بگویم که رفتار



## تغییر نکنیم، چه کنیم؟

تغییر گام بردارد. برای این منظور لازم است ابتدا یک شناخت اجمالی نسبت به باور، اعتقاد، رفتار، شخصیت، روحیه، علم و دانش، اخلاق و نوع ارتباط خود پیدا کنیم. هر یک از این موارد می‌تواند موضوعی برای تغییر باشد. اما لازمه تغییر، «خودشناسی» است. خودشناسی امری است که علاوه بر نشان دادن «آنچه هستیم»، «آنچه باید باشیم» را به دنبال دارد. زیرا هر فردی پس از آنکه فهمید در چه مواردی نقص دارد، برای رفع آن تلاش خواهد کرد. البته این تفکر ناشی از جهان بینی افراد است؛ آنها که هدف از خلقت انسان را تلاش او برای رسیدن به کمال می‌دانند.

برای چگونگی تغییر باید به این نکته توجه کرد که در امر تغییر و تحول دچار تکثر نشویم. یعنی این‌گونه نباشیم که تمام نواقص و معایب خود را به عنوان امتیاز منفی در نظر گرفته و بخواهیم همه آنها را در آن واحد اصلاح کنیم. فرآیند تغییر به زمان نیاز دارد، یعنی به تدریج و آهسته صورت می‌گیرد. مهم این است که در این مسیر قدمی برداریم و بر خدا توکل کنیم.

با این حال گاهی برای تغییر کردن تلاش می‌کنیم، اما به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم، در این گونه موارد باید به مسیری که انتخاب کرده‌ایم فکر کنیم. با کمی تفکر، مطالعه و مشورت می‌توانیم راه مناسب‌تری پیدا کنیم. واقعیت این است که انتخاب‌های دیگری نیز برایمان وجود دارد.

در آخر، آنچه بیش از پیش ما را در امر تغییر مصمم می‌سازد، داشتن هدف و رسیدن به نقطه مطلوب و یا منافی است که در فرض تغییر به آن دست می‌یابیم. اکنون با این مقدمه به سؤالی که در ابتدا پرسیده شد، فکر کرده و به آن جواب دهید.

آوریم. با این توضیحات وقتی از تغییر صحبت می‌کنیم، منظور تغییر درونی است و تغییراتی چون تغییر شغل، خانه، لباس، محل زندگی و ... مدنظر نیست.

دلیل دیگر برای ضرورت تغییر، گذر زمان است؛ زمان مهمترین تغییری است که در کل جهان به طور ثابت و پیوسته در حال وقوع می‌باشد. نیاز است که ما نیز چون قطره‌ی آبی که در جریان یک رودخانه در حال حرکت است، خود را در جریان زمان قرار داده و همزمان با آن حرکتی رو به جلو و تغییری مثبت داشته باشیم.

با توجه به سوره عصر، انسان به واسطه از دست دادن این سرمایه (زمان) در خسران است. و تنها زمانی می‌تواند از آن سود به دست آورد که ایمان داشته و عمل صالح انجام دهد. حال آیا تمام اعمال ما صالح است؟ اگر جواب منفی است، باید با تغییر در رفتار و بینش خود به آن دست یابیم.

۲. ممکن است شما جزو افرادی

ما، نحوه برخورد دیگران را با ما تعیین می‌کند. پس اگر از رفتاری ناراحت و یا دلگیر می‌شویم، ابتدا باید سعی کنیم رفتار خود را با وی اصلاح کنیم. اگر از روزگار خسته و یا از مشکلات در عذاب هستیم، آنجا که دیگر نمی‌توان کاری برای رفع آنها انجام داد، باید تغییراتی در خود به وجود

اگر از آن دست افرادی هستید که با خود فکر می‌کنید: اصلاً برای چه باید تغییر کنیم؟ و اصلاً لزومی به تغییر کردن وجود دارد یا خیر؟ باید بگوییم که کل نظام هستی در حال تغییر، حرکت و پویایی است. از تغییرات آب و هوا، فصول و طبیعت گرفته، تا تغییرات طبیعی و جسمی انسان. بشر از دوران طفولیت تا پیری، پیوسته در حال تغییر جسمی است.

## تقدسی مسجد گونه

که او داوطلبانه برای تامین نیازهای افراد خانواده‌اش به قیام برخاسته است. نقش او اگرچه که بسیار مهم است اما تنها نقش در خانواده نیست. وی همچون امام جماعتی است که اگر نباشد نماز جماعت معنایی ندارد اما همواره باید به خاطر داشت که اگر مردمی نیز نباشند که پشت سر او قامت ببندند هدف نیز میسر نخواهد بود. زن نیز متقابلاً باید بداند که ورود به خانواده نیازمند ایثار و فداکاری است. پذیرش قلبی این نکته که هر انسانی ایراداتی دارد در صدر این فداکاری قرار می‌گیرد. احترام به یکدیگر باید بخاطر ارزش والای کرامت انسانی باشد لذا کانون گرم خانواده گستاخی و سرکشی را بر نمی‌تابد. فحاشی و افترا علاوه بر توهین به ذات انسانی، هتک حرمت مکانی مقدس نیز محسوب می‌گردد. از سوی دیگر ارتباطات خانوادگی و گفتگوهای دلچسب درون آن نباید جای خود را به هشدارهای مداوم تلفن همراه بدهد. تجمل گرایی و چشم داشت به زندگی دیگران در خانواده دور از خرد است. عقل سلیم حکم می‌کند که باطن زندگی خانوادگی با ظاهر زندگی زوجی دیگر مقایسه نگردد. در یک کلام افراد خانواده باید از انتهای قلب خود به این باور برسند که خانواده تقدس دارد؛ تقدسی مسجد گونه.

است، احساس تازگی و سرزندگیست، شوق وحدت است و پربار کردن پرونده‌ی اعمال. در یک کلام ارزشی که واری هر چیز دیگر در مسجد حاکم است اخلاق است و بس.

وجه شبه این دو مکان نیز در موارد مذکور نهفته است. آن هنگام که فردی لایق این نعمت گردید و به اصطلاح خانواده‌ای تشکیل داد می‌بایست به آن پایبند باشد. در خانواده بایستی اخلاق حرف اول را بزند. مرد نباید به این اعتبار که ریاست خانواده به او سپرده شده است عرصه را برای حکمرانی باز دیده و زورگویی کند. او باید بداند که اگر ریاست او دارای مشروعیت است بایستی کارآمد نیز باشد. این دو اگر در کنار هم نباشند خدشه‌ای جبران ناپذیر را به استحکام خانواده وارد می‌کنند. برتری معنایی ندارد بلکه برابری و وحدت است که صحیح می‌نماید. مرد اگر چه که قوام است اما قوامیت وی بدین معناست

را از خداوند منان طلب می‌نماید. در این مکان مقدس ظاهر و پوشش افراد بدور از تجمل و خودآرایی افراطی است. کسی ذهنش را مشغول ظاهر دیگری نمی‌کند. صدای تلفن همراه به صورت مداوم گوش آدمی را نمی‌آزارد و خلوت گرم خودمانی را لگدمال نمی‌کند. کسی خود را برتر از دیگری نمی‌بیند؛ آنجا همه با هم برابرند و دوشادوش هم قرار می‌گیرند. ثواب امام جماعت به همان اندازه‌ی ثواب افرادی است که پشت سر وی به نماز می‌ایستند. در آنجا آنچه که اهمیت دارد تنها دلی پاک و بی‌آلایش



حمایت آیات الهی بوده بلکه در کلام ائمه معصوم نیز بسیار از آن سخن رانده شده است. از نمونه‌های پر آوازی آن نیز این حدیث نبوی است که می‌فرماید: « نزد پروردگار هیچ پایگاهی عزیزتر از خانواده نیست.» این حدیث در کنار آیات مربوطه مفهومی واری معنای ظاهری دارد. به بیانی شفاف‌تر نهادی که تا این حد قابل ستایش است مسلماً دارای تقدس الهی نیز می‌باشد. ارزش این تقدس اگر همتای خانه خدا نباشد کمتر از آن نیست. تقدس خانه خدا موجب این است که هیچ فردی ولو آلوده به معصیت تا آن هنگام که در آن فضاست سخن ناروا بر زبان نمی‌آورد، هم کیش خود را نهیب نمی‌زند، ترش رویی نمی‌کند و بخل نمی‌ورزد. حمد و ثنای پروردگار را به جا آورده و شکر نعمات می‌کند، باطن خویش را به دروغ نمی‌آلاید و با تهمت و افترا دیگری را از خویش دلگیر نکرده بلکه بالعکس با فرد همجوار خود با لبخندی زیبا هم کلام شده و پذیرش عبادت او



زهراسمعی زفرقندی  
دانشجوی ارشد مطالعات زنان  
دانشگاه تربیت مدرس

خانواده در دین اسلام همواره به عنوان نهادی مقدس درخور تحسین بوده است. این مهم مفهومی است که امروزه با آنچه دنیای غرب از آن به عنوان فردگرایی یاد می‌نماید در تضاد کامل قرار گرفته و سعادت بشر را در یکی شدن زن و مرد می‌داند و نه یک به یک بودنشان. به دیگر سخن نگاه اسلام این است که انسان از ریشه انس نیاز به مؤانست دارد و بر پایه ازدواج و تشکیل خانواده می‌تواند این نیاز را التیام بخشد. هدف از تشکیل خانواده برخلاف آنچه که در عصر حاضر می‌شنویم تنها ازدیاد نسل نیست بلکه رخنه کردن مودت و رحمت الهی و آرامشی دلنشین در ریشه و جان آدمیست. همچنان که پروردگار در آیه ۲۱ سوره روم در طی فریادی بین المللی بیان می‌دارد: و از نشانه‌های او اینکه از انواع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میاتنان دوستی و رحمت نهاد آری در این انعمت برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است»

کانون گرم خانواده نه تنها مورد

# لطفاً سب زمینی نباشید!



مراجعه کنید؛ بسیار سازنده و کلید طلایی آرامش استراحت شبانه و انرژی تلاش روزانه و فلاح و رستگاری است. ورزش کنید، تغذیه سالم داشته باشید، مسئولیت پذیر، سخت کوش، وقت شناس باشید، با مسجد و دوستان مسجد ارتباط بگیریم، خوب بخوابید، رحم و مروت داشته باشید، در صورت نیاز معذرت خواهی کنید، شوخ طبع باشید، مطالعه و عمل کنید، یادگیرید و یاد بدهید تا رشد یافته و شکوفا شوید. نماز را اول وقت اقامه کنیم. قدرشناس و قدردان زحمات پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و بزرگترهای فامیل و معلمان و اساتید و علمای دین و دانشمندان، هنرمندان بلکه تمامی خدمتگزاران باشیم. به یاد فداکاری‌های همه آنان که با تلاش‌ها و همت‌های خدایی خود با تقدیم جان و مال و عزیزان خود عزت و امنیت ایران عزیز را محقق ساختند باشیم و رهروی راه ایشان ان شاء الله الرحمن.

**در شماره آینده مهارت برنامه ریزی تحصیلی، مباحثه و آمادگی برای امتحان می‌پردازیم. دلشاد بمانید و عاقبت بخیر!**

بیان شد، «شادی» به عنوان یک هیجان عمومی در روانشناسی مثبت‌گرا، بر داشتن احساس امنیت، سلامت، جستجوگری، کمال طلبی، خیرخواهی، دوراندیشی، آرامش، همچنین رضایت، قدردانی، رشد و شکوفایی استوار است.

## فایده‌ها، آثار و برکات شادی

افزایش تمرکز، توسعه قدرت تفکر، بهبود توانایی حل مساله، ساخت و بازیافت فرصت‌ها، برقراری ارتباط موثر، بهره‌وری و کیفیت اثربخش، ایجاد شبکه‌های از منابع انسانی و سرمایه‌های فکری و امکانات مادی و رفاهی، توسعه و تعالی فردی، خانوادگی و اجتماعی، رضامندی و خشنودی، خدمت به خلق و خدایندگی.

## راهکارهای خلق شادی

متفکر باشید، لحظه‌های شاد را زندگی کنید، به دیگران شادی ببخشید، کاستن رنج دیگران را اهمیت دهید. خوش بین باشید، روز خود را با توجه و عبادت و دعا در پیشگاه خدای مهربان آغاز و همواره با یاد خدا به شب برسید. (به دعاهای صبحگاه و شامگاه قبل از طلوع و قبل از غروب آفتاب، ابتدای مفاتیح الجنان

و خلق ثروت) افزون بر «مطالعه جدی تحصیلی»، «مطالعه دقیق جنبی» خود را نیز برنامه‌ریزی دنبال می‌کند. یکی از منابع و موادخواندنی «دقیق جنبی» در دوران تحصیل) است.

## Life Skills For Students شکوهمند

تحصیل «مهارت‌های زندگی دانشجویی» خودشناسی، خودتوانمندسازی و خودیاری به منظور خود شکوفایی و کنار آمدن با فشارهای زندگی فردی دانشجویی، خانوادگی اجتماعی و کسب مهارت‌های رویارویی با زمینه‌ها و مسائل مذکور، بخشی از واقعیت زندگی است و آنچه امروزه «مهارت‌های زندگی» نامیده می‌شود در تعالیم الهی بویژه در قرآن و احادیث معصومان «علیهم السلام» بی‌شمار و فراوان بیان و بر یادگیری و بکارگیری آن تاکید شده است.

شروع زندگی تحصیلی در دانشگاه برای اغلب دانشجویان گاه کاملاً ناآشنا بوده و دوران تحصیل فشارهای روانی خاص خود را دارد و مهارت‌های ویژه‌ای می‌طلبد. برخی از مهارت‌های زندگی دانشجویی شادی چنانکه در شماره‌های پیشین به تفصیل



محمد انصاری

دبیرانجمن علوم قرآن وحدیث  
دانشگاه تربیت مدرس

زندگی دانشجویی (دوران شکوهمند تحصیل) افزون بر اهمیت و تاثیرگذاری ویژه در چگونگی ادامه مسیر زندگی‌مان، خود به عنوان بخشی از زندگی، سراسر پویایی و تکاپو و البته اضطراب و گاه افسردگی و برای برخی از دانشجویان همراه با سرخوردگی و ناکامی است. این نوشته بر آن است پس از بیان چیستی و چرایی دانشجویی، نظر به اهمیت ضرورت، اهمیت فوریت، اهمیت اولویت، آثار و برکات دانشجویی، موانع و آسیب‌های دانشجویی، اشاره‌ای هر چند کوتاه و گذرا به «مهارت‌های زندگی دانشجویی» داشته‌باشد.

## دانشجویی، چیستی و چرایی

انسان برای ادامه حیات و رفع نیازهای اولیه بلکه نیازهای معنوی و متعالی خود ناگزیر از فرایند مبارک «یاددهی یادگیری» بوده و هست. پس از گذشت دوران تاریخی، در ادامه جریان یاددهی یادگیری و پیدایش و تدوین علوم و انباشت اطلاعات، دانش‌ها و مهارت‌ها، «نظام آموزشی» جوامع انسانی نیز به مرور تاکنون و عصر حاضر، رشد و پیشرفت داشته و ساختاریافته است. اهمیت و ضرورت کار و ارائه و دریافت خدمات انسان امروزی به گونه‌ای است که برای گذران زندگی و معیشت خود، ناگزیر از دانشجویی و نیازمند به یادگیری علوم و مهارت‌های مورد علاقه و متناسب با توانایی‌های خود است.

«دانشجویی موفق» ضمن تلاش و تکاپو، در راستای مدیریت فرایند یاددهی یادگیری خود، به منظور موفقیت و پیشرفت تحصیلی با هدف کارآمدی، کارآفرینی و ارزش‌آفرینی (کسب علم

## «خانواده پژوهی» همچنان

### افتخار آفرینی می‌کند



نشریه خانواده پژوهی انجمن علمی دانشجویی مطالعات زنان، پس از کسب عنوان نشریه برگزیده علوم انسانی در هشتمین جشنواره ملی حرکت، موفق به کسب دو افتخار ملی دیگر شد.

فصلنامه علمی-تخصصی خانواده پژوهی انجمن علمی دانشجویی مطالعات زنان به مدیریت مسئولی خانم «مهديه محمد تقی زاده» در هشتمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت و نیز جشنواره ملی نشریات و رسانه‌های دانشجویی نسل ۴ موفق به کسب رتبه برتر شد.

هشتمین کنگره پیشگامان پیشرفت با موضوع «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ افق و تدابیر» در محل تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد و در مراسم اختتامیه این کنگره یک روزه که با حضور دکتر واعظ زاده، رئیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تنی چند از معاونان و مدیران این مرکز برگزار شد؛ فصلنامه دانشجویی «خانواده پژوهی» به عنوان نشریه دانشجویی برگزیده، مورد تقدیر قرار گرفت.

کنگره‌های پیشگامان پیشرفت طی سه سال گذشته هر شش ماه یک بار به همت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با هدف اطلاع رسانی در خصوص فعالیت‌های انجام شده در خصوص تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و هم‌اندیشی و تبادل نظر با دانشجویان در راستای گفت‌وگو سازی و جلب مشارکت جوانان کشور در تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برگزار شده است.

همچنین سرکار خانم نسیم السادات محبوبی شریعت پناهی، عضو تحریریه نشریه خانواده پژوهی موفق به کسب مقام برگزیده بخش مقالات اولین جشنواره ملی نشریات و رسانه‌های دانشجویی نسل ۴ گردید.

نشریه چشمه، کسب این دو افتخار را به اعضای نشریه خانواده پژوهی، تبریک عرض می‌کند.



## بودن یا نبودن؟ مسئله این است

حسن میثمی، مدیر مسئول پایگاه خبری وبلاگ نیوز، اما در مقام موافق اعلام کرد که در بحث اقتصادی اختلاف نظری وجود ندارد و به هر حال فیلترینگ فله‌ای نیز راه کاری موقت است. وی از شبکه ملی اطلاعات و اصلاح قانون جرایم رایانه‌ای به عنوان دو راه حل پیشنهادی یاد کرد و اظهار داشت: اگر این دو موضوع به نحو مقتضی و با قید فوریت مورد توجه قرار گیرند برخی از مشکلات کشور در این حوزه مرتفع خواهد شد.

در ادامه جلسه خیرجو با اشاره به جریان نفوذ به بعد امنیتی در فضای مجازی پرداخت که میثمی در مقام پاسخ گفت باید ملاحظات امنیتی را لحاظ کرد اما تجربه

ادامه افزود: موضوع شبکه‌های اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است و جای بحث این مساله نیز دانشگاه تربیت مدرس است که یک دانشگاه تحصیلات تکمیلی است. در ادامه محمد مهدی خیرجو، کارشناس رسانه و فضای مجازی که به عنوان موافق فیلترینگ فضای مجازی در جلسه شرکت داشت، اظهار کرد: موضوع شبکه‌های اجتماعی از سه بعد اقتصادی، فرهنگی و امنیتی قابل نقد است. وی تصریح کرد: در بعد اقتصادی باید پذیرفت که قوه عاقله‌ای این شبکه‌ها را سازماندهی می‌کند و سرورهای این شبکه‌ها در داخل کشورهایی است که با کشور ما خصومت دارند و این مهم را نمی‌توان نادیده گرفت.



جلسه کرسی آزاد اندیشی با موضوع ابعاد فیلترینگ فضای مجازی و نرم افزارهای نوین با حضور موافقان و منتقدان در سالن شهید مطهری برگزار شد. در ابتدای جلسه دکتر حسین زاده، رئیس اداره فعالیت‌های اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان داور کرسی به طرح مساله پرداخت و عنوان کرد که استفاده از فضای مجازی از یک مساله عادی به مساله‌ای اجتماعی مبدل شده و در این میان و به طور مشخص یک پنجم کاربران تلگرام در دنیا ایرانی هستند. این عضو هیات علمی دانشگاه در

نشان داده ما سابقه خوبی در این زمینه نداریم. وی تاکید کرد: به جای فیلترینگ باید با سرویس‌های بزرگ مانند گوگل و غیره وارد مذاکره شد که ملاحظات نظام ما را رعایت کنند. موافقان و منتقدان در ادامه به بعد فرهنگی پرداختند و خیرجو به عنوان نمونه نشر مطالب موهن علیه اعتقادات مذهبی، مطالب مستهجن و پورنوگرافی، مسایل قومیتی و روابط نامشروع را برشمرد. حسن میثمی نیز اظهار داشت که این مطالب نه تنها در فضای مجازی بلکه در دنیای واقعی نیز وجود دارد. در پایان نیز تعدادی از دانشجویان پرسش‌های خود را از مدعوین مطرح کردند و دکتر حسین زاده مطالب مطرح شده را جمع بندی کرد.



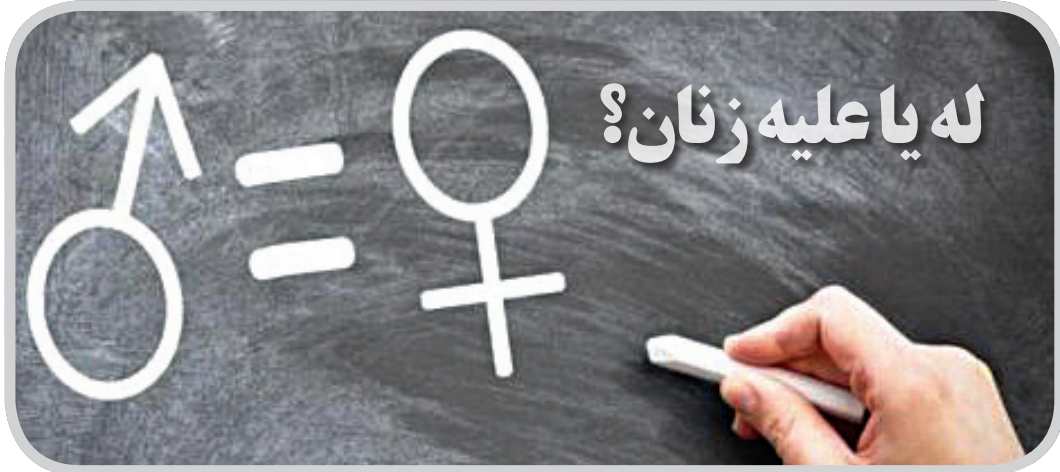
### بررسی مفهوم انتظار و آخرالزمان در کارگاه مهدویت

اولین جلسه از سلسله جلسات «کارگاه مهدویت» با موضوع شبهات مهدویت، فلسفه‌ی انتظار و هالیوود در آخرالزمان توسط کانون مهدویت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای عباسیان، مسئول بنیاد مهدی موعود (عج) در سالن علامه جعفری دانشکده علوم انسانی برگزار گردید.

مسئول بنیاد مهدی موعود (عج)، با تبیین معنا و مفهوم مهدویت و تعریف انتظار، در فضایی صمیمانه و گفتگو محور به بررسی دیدگاه‌ها و نظرات مختلف در خصوص مهدویت پرداختند.

وی در بخشی از سخنان خود ضمن اشاره به حدیث «أصحاب المهدی (عج) شباب لا کھول فیهم إلا مثل کحل العین و الملح فی الزاد و اقل الزاد، الملح...» نقش پر رنگ جوانان در زمینه سازی ظهور را جدی و ضروری برشمرد و خاطر نشان کرد: با توجه به معنای این حدیث که می‌فرماید بیشتر اصحاب حضرت حجت (عج) از جوانان تشکیل شده است، جوانان می‌بایست بکوشند تا خود را به آن میزان از آمادگی و ظرفیت برسانند که بتوانند از اصحاب حضرت حجت (عجل الله فرجه الشریف) باشند، وی در این زمینه توضیحات و راهکارهایی را ارائه کردند.

لازم به ذکر است که در ابتدای این جلسه ضمن قرائت اشعاری در خصوص مهدویت و انتظار توسط مجری برنامه، به مناسبت روز سیزدهم آبان ماه، حاضرین کارگاه به تماشای کلیبی با موضوع جنایت‌های آمریکا در ایران و کشورهای منطقه پرداخته و انزجار خود را از سیاست‌های خصمانه‌ی دولت استکباری آمریکا ابراز داشتند.



دو ذات الهی و انسانی دارد و هم زمان از صفات متناقض برخوردار است؛ هم بی‌نیایت است و هم متناهی، هم قدرت مطلق دارد و هم بنده‌ای ضعیف است و... طبق این مبنا خداوند، هم متعالی و منزله از محدودیت‌های عالم ماده است و هم متجسد است و در محدودیت‌های عالم ماده به سر می‌برد.

هیچ‌گونه تثلیث مقدسی در اسلام نیست، نه خدای پدر در آن به چشم می‌خورد و نه خدای پسر. از این رو، مفهوم «خدا» در اسلام به آنگونه که در مسیحیت مشاهده می‌شود، مشخصاً چنسی نیست. از سوی دیگر «فمینیسم الهی» به طور قطع، با آموزه‌های اسلام ناسازگار است. خدای اسلام زن نیست و هیچ دختری هم ندارد. بنابراین، مفهوم الهیات اسلامی برخلاف آنچه در تثلیث به چشم می‌خورد فارغ از جهت‌گیری مردانه است.

الهیات مسیحی "مار" (نماد شیطان در کتاب مقدس) و "زن" را موجوداتی معرفی می‌کند که منشأ شرارت‌اند و با همکاری آن دو و تسلیم شدن زن نسبت به اغواگری شیطان، مُصیبت بر آدم باریدن گرفت. زن، موجودی درجه دو است که به تبع مرد و برای مرد و از دنده چپ او پدید آمد. اما در اسلام به لحاظ اعتقادی و نظری، هیچ تفاوتی میان زن و مرد دیده نشده است؛ هر دو آنها به یک اندازه انسانند و در پیشگاه خداوند، جایگاهی برابر دارند.

در نهایت باید گفت تلاش‌های هدفمندی که از سوی فمینیست‌ها در عرصه‌های ادبیات، فیلم، نقاشی، حقوق و... «فرهنگ اسلامی» را به چالش گرفته، به طور قطع جامعه را به مخاطره جدی خواهد افکند و تهاجم به باورهای اسلامی و تلاش در مُردن سازی دیدگاه زن، ناگزیر تضعیف اعتقاد به مبانی و احکام دین را ثمر می‌دهد.

الهیات فمینیستی، در بستر فرهنگ و الهیات مسیحی پدید آمده و رشد کرده است، از این رو بدون درک درستی از الهیات مسیحی، قابل فهم نیست. یک سلسله مفاهیم در الهیات مسیحی وجود دارد که موجب جدایی راه آنان از الهیات اسلامی می‌شود. مفاهیمی همچون گناه ذاتی یا گناه اولیه، حلول و تجسد، تثلیث، فدیه، کلیسا و مانند آن، مفاهیمی خاص مسیحیت است که موجب تمایز الهیات مسیحی از سایر ادیان توحیدی می‌شود.

کردن توجیه اخلاقی برای امپریالیسم، سود جسته‌اند. بدین سان، فمینیسم استعماری در خدمت حاکمیت استعماری قرار گرفت. استعمارگران دلیل اصلی عقب ماندگی کلی جوامع اسلامی را شیوع سنت‌های اسلامی درباره زنان قلمداد کردند و حجاب نماد بی‌حرمتی به زن و هدف اصلی تبلیغات اسلامی قرار گرفت.

اسلام را بدلیل پذیرفتن چند همسری و حبس کردن زنان در پشت حجاب‌ها محکوم کرده‌اند. به نظر آنان، زن در جوامع اسلامی باید شیوه‌ی رفتار و نحوه‌ی لباس پوشیدن را از زن اروپایی بیاموزد تا جوامع اسلامی به سوی دروازه‌های تمدن پیش روند.

مُسیونرهای مسیحی نیز برای توجیه ادعای برتری دین مسیحی و نیاز به فعالیت‌های مُسیونری در کشورهای مسلمان (البته کشورهای تحت حمایت قدرت‌های نظامی استعمارگران)، نقش زنان در جوامع اسلامی را کانون توجه خود قرار دادند. افزون بر استعمارگران و مُسیونرها، فمینیست‌های غربی نیز اندیشه کنار گذاشتن احکام اسلامی مربوط به زنان را ترویج می‌کردند.

**تعارض با الهیات اسلامی و تقدس تثلیث:** الهیات فمینیستی، در بستر فرهنگ و الهیات مسیحی پدید آمده و رشد کرده است، از این رو بدون درک درستی از الهیات مسیحی، قابل فهم نیست. یک سلسله مفاهیم در الهیات مسیحی وجود دارد که موجب جدایی راه آنان از الهیات اسلامی می‌شود. مفاهیمی همچون گناه ذاتی یا گناه اولیه، حلول و تجسد، تثلیث، فدیه، کلیسا و مانند آن، مفاهیمی خاص مسیحیت است که موجب تمایز الهیات مسیحی از سایر ادیان توحیدی می‌شود.

براین اساس، انسان در گناه، زاده می‌شود زیرا نخستین پدر و مادر او گناهی کردند که اثر آن در سرشت ابنای بشر باقی ماند و عمل آن گناه را هم زن معرفی می‌کنند (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب سوم، آیه ۶)، اما در فرهنگ اسلامی، چیزی به نام گناه اولیه یا گناه ذاتی، وجود ندارد و خطای آدم و حوا به ابنای آنها سرایت نمی‌کند هر چند اثر وضعی آن که خروج از بهشت است، باقی است. مسیح در اندیشه مسیحی، یک موجود انسانی- الوهی است، یعنی

زندگی بدون هیچ گونه دخالت، آداب و سُنن اجتماعی یا احکامی است که به مرد و زن نقش‌های مشخص می‌دهد. تفکر فلسفی در اسلام، مانند همه‌ی جنبه‌های فرهنگ اسلامی بازتاب توحید است؛ از این منظر، همه چیز با وحدتی زیربنایی به منزله آثار خداوند در مقام علت غایی یا وجوه تجلی او تلقی می‌شود. در این تفکر از عقل به منزله وسیله‌ای برای فهم توحید، حمایت و جانب‌داری می‌شود. حال آنکه، تفکر فلسفی فمینیستی دقیقاً در جهت عکس حرکت می‌کند، فمینیسم به جای جستجو در باره نوعی وحدت‌نهایی (باطنی) در وجود در علیت و یا در نمود و واقعیت، خود را به کشف تعارض مشغول داشته است. آنان خود عقل را ابزار ظلم و تکیه بر آن را به طور اهانت‌آمیزی «منطق محوری» می‌نامند.

آرمان فلاسفه در فرهنگ اسلامی، پیروزی بر هوای نفس اماره با بکارگیری عقل است. عقل بر نفس فیلسوف غالب است و از این رو، او دیگر به آنچه با ملاک‌های دنیوی مطلوب شمرده می‌شود راعب نیست. در آثار فمینیست‌ها، زنی متفکر و آرمانی محسوب می‌شود که با دل مشغولی به تجارب خود، آنها را برای کشف ریشه‌های مظلومی که در تفاوت‌های مُبتنی بر جنسیت به زنان روا داشته می‌شوند، به کار گیرد. او با تلاشی که در آن امیال خود را از محدوده مردسالاری رها می‌کند، بر این ظلم چیره می‌شود. حال آنکه آرمان اسلام قُرب به خداوند است و روحیه‌ی تسلیم و انقیاد در برابر خداوند بر ارتباطات اجتماعی حکم فرمات. در فمینیسم، برعکس، همه‌ی الهیات در چارچوب برنامه‌ی آزادسازی است؛ برنامه‌ای که در آن هدف آزادی اجتماعی است که برای تساوی و برای نابودی تفاوت‌های مُبتنی بر جنسیت در نقش‌های اجتماعی، مدعی اخلاق مطلق و خواستار انقلاب در رسوم اجتماعی است و فرمان‌های صریح خداوند را هم رد می‌کند.

**گسترش حاکمیت استعماری:** مدت مدیدی است که فمینیسم به جنگ افزار دلخواه زرادخانه قدرت‌های استعمارگر تبدیل شده است. استعمارگران از فمینیسم برای تقبیح فرهنگ سرزمین‌های تحت فرمان خود و برای کسب حمایت‌های محلی به منظور فرنگی مآب کردن و فراهم

مهدیه محمدتقی زاده  
مدیر مسئول نشریه خانواده پژوهی  
دانشگاه تربیت مدرس

امروزه در جوامعی نظیر آمریکا آزادی و حقوق فردی، وقف برتری و قداستی شده است که آنها را عملاً از سایر جوامع جدا می‌کند. مزیت بی‌سابقه فردگرایی، رشته‌های پیوند ما با جامعه را به میزان زیادی تضعیف کرده است. از منظر ساختاری و مردم شناسی، جوامع انسانی به گونه‌ای توسعه یافته‌اند که مشارکت و وابستگی متقابل امری ضروری تلقی می‌شود و با روند رو به رشد فردگرایی افراطی در این جوامع سازگاری ندارد. از این منظر پدیدارهای شگفت‌انگیزی رخ داده که توجه به آنها جهت درک آینده خانواده ضرورت دارد. افزایش پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی به ویژه به شکل متداول و شناخته شده آن (یعنی مدرنیزاسیون)، باعث شده تا جوامع استقلال بیشتری به افراد عضو خود یا به شکل عمومی‌تر به واحدهای منفرد (خانواده‌ها) اعطا نمایند. در سراسر جهان گسترش سرمایه‌داری، سرعت فرآیند فردگرایی را افزایش داده که نتیجه آن، رواج گسترده ایده حقوق بشر فردی در بسیاری از کشورها بوده است.

پیشرفت سرمایه‌داری و ایدئولوژی فردگرایی نباید ما را فریب داده و به این نتیجه برساند که قداست فردگرایی یک هنجار جهانی است، در حالی که هنجار نبودن آن کاملاً روشن است. هنوز در اکثر نقاط جهان، افراد برای ادامه حیات و بقا تا حد زیادی به خویشاوندان و فامیل خویش وابسته‌اند و خانواده‌ها نفوذ زیادی بر اعضای خود دارند، همچنین برخی از ادیان و چشمگیرتر از همه اسلام، به عضویت گروهی اولویت می‌دهند و در واقع تأکید ما بر حقوق فردی از چشم‌انداز تاریخی و جهانی، غیرمتعارف می‌باشد و اطمینان ما به اینکه این حقوق فردی یک هنجار تخطی‌ناپذیر تلقی می‌شوند، مغرورانه و نادرست است.

### گسترش برنامه آزادسازی و تعارض با فلسفه اسلامی:

اسلام ارزشهای اخلاقی مورد حمایت فمینیست‌ها را، خواه فمینیست‌های تساوی‌گرا و خواه فمینیست‌های زن محور، تأیید نمی‌کند. هدف مورد نظر در فمینیسم، آزادی مطلق در انتخاب نحوه دلخواه زندگی بدون هیچ گونه دخالت، آداب و سُنن اجتماعی یا احکامی است که به مرد و زن نقش‌های مشخص می‌دهد. تفکر فلسفی در اسلام، مانند همه‌ی جنبه‌های فرهنگ اسلامی بازتاب توحید است؛ از این منظر، همه چیز با وحدتی زیربنایی به منزله آثار خداوند در مقام علت غایی یا وجوه تجلی او تلقی می‌شود.



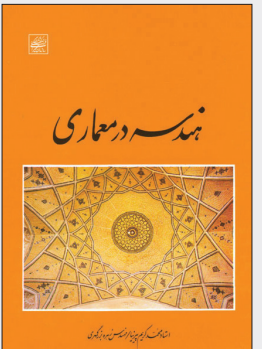
## سفرنامه یک سیاستمدار انگلیسی

# سفرهای جکی مارکو

پخوانیم



محسن سعادت

دانشجوی دکتری باستان شناسی  
دانشگاه تربیت مدرس

### هندسه در معماری

کتاب «هندسه در معماری» تألیف استاد محمد کریم پیرنیا و مهندس زهره بزرگمهری، در زمینه اصول، مبانی و روش‌های کاربردی در معماری اسلامی است که از سوی انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور به بازار عرضه شده است.

این کتاب بیشتر از طریق مباحث مطرح شده در کلاس درس استاد پیرنیا توسط شاگرد وی (مهندس زهره بزرگمهری) در زمینه کاربردی‌ها در معماری ایرانی گردآوری شده است. کتاب در دو فصل به شرح ذیل تدوین شده است:

در فصل اول تحت عنوان «کاربندی» به مباحثی از قبیل تاریخچه کاربردی، کاربرد و روش کاربردی در بندی (عایق حرارتی، آمود برای طاق اصلی، به نظم در آوردن فضاهای داخلی، تنظیم نور و صدا، زیبایی فرم و تناسب) پرداخته شده است.

در فصل دوم مبحثی تحت عنوان «کاربندی» = رسمی بندی» که شامل موضوعاتی از قبیل تعریف کاربردی، انواع تقسیم‌بندی کاربردی (کاربندی قالب شاقولی و کاربردی قالب سر سفت)، انواع کاربردی قالب شاقولی (کاربندی رسمی و اختری)، و زمینه‌های کاربردی در طیف وسیعی از نمونه‌ها از جمله کاربردی ساده ۱۰ ضلعی رسمی، کاربردی ساده ۱۲ ضلعی رسمی، کاربردی ساده ۱۴ ضلعی رسمی، کاربردی ساده ۱۶ ضلعی رسمی، کاربردی ساده ۱۸ ضلعی رسمی، کاربردی ساده بیست ضلعی رسمی و غیره ذکر شده است.

همچنین در هر کدام از بخش‌های کتاب در زمینه تعریف، انواع و روش‌های کاربردی مثال‌ها و نمونه‌هایی در رابطه با موضوع در کتاب درج شده است که نوع کار را برای خواننده بازگو کرده است.



احمد فرهنگ

کارشناسی ارشد ادبیات  
دانشگاه تربیت مدرس

یک شنبه ۱۱ اکتبر ۲۰۱۵ - لندن  
روز تعطیل هم دست از سر آدم نمی‌کشند. غرق خواب بودم که با صدای زنگ تلفن از جا کنده شدم. در حالی که خمیازه امانم را بریده بود، گوشی را برداشتم. یکی از مقامات عالی رتبه «انتلیجنت سرویس» بود. گفتم: لابد پی‌گیر هستید که پرونده سفر به ایران را مطالعه کرده‌ام یا نه! با عصبانیت سرم فریاد کشید و گفت: پ نه پ زنگ زدم که ببینم لیمنادی... دستمال کاغذی... چیزی کم و کسر نداشته باشی، امر بفرمایید تا «هلی بُرد» کنیم و بفرستیم! گفتم: تا ساعت پنج صبح همه پرونده را خواندم و تمام کردم. گفت: خوب، طبق برنامه تا تاریخ ۱۸ اکتبر، باید خودت را با تور گردشگری به ایران برسانی. شهر به شهر می‌روی و ارتباطات را برقرار می‌کنی و اطلاعات می‌گیری و کد می‌دهی. یادت باشد در دانشگاه‌ها افراد نفوذ پذیر را شناسایی و برای ادامه تحصیل روانه لندن و بیرمنگام کنی!

گفتم: به روی چشم قربان. این سفارش آخری که معرکه است. این دو هزار نفری که در دولت بیب! در دانشگاه‌های ما تحصیل کردند، الان دیگر وقت ثمردهی ایشان فرا رسیده است. یک دفعه مثل قار قارک داد و هوس راه انداخت و گفت: قضیه مهم‌تر از این هاست. حالا ما دیگر بیمانکاری می‌کنیم. فقط برو و خبر بیآور که چه اندازه می‌توانیم بر دولت ایران فشار اقتصادی وارد کنیم تا امتیاز بگیریم و با کنگره آمریکا وارد مذاکرات هسته‌ای بشویم. همین!

دیگر حرفی برای گفتن نداشتم. مکتی کردم و گفتم: قربان! اگر ممکن است سلام مرا به ملکه برسانید. جمله‌ای مبهم به گوشم خورد شبیه اینکه: صبار بده آش/ به همین خیال باش! و تماس ناگهان قطع شد.

یک شنبه ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ - تهران  
نوجوان که بودم سفرنامه مارکوپولو را زیاد می‌خواندم. همیشه دوست داشتم که به من «جکی مارکو» بگویند تا بعد بگویم: مار... کو؟! آن وقت زبانم را در بیآورم و با ادا بگویم: دنبالش نگردید، این هم مار!

وقتی گنده‌تر شدم،

پی بردم که بریتانیا بدون مستعمرات قادر به زندگی نیست. شامه تیز انگلیسی من نیز از فرسنگ‌ها راه بوی نفت خاورمیانه را تشخیص می‌داد. برای تقویت ارتباط با ایران، در سال ۲۰۰۱ میلادی به طور ویژه مطالعات زیادی روی تاریخ ایران انجام دادم و با بسیاری از ایرانیان مقیم انگلیس صحبت کردم و توانستم شناختم را نسبت به نگرانی‌های ایران از انگلیس افزایش دهم.



وقتی گنده‌تر شدم، پی بردم که بریتانیا بدون مستعمرات قادر به زندگی نیست. شامه تیز انگلیسی من نیز از فرسنگ‌ها راه بوی نفت خاورمیانه را تشخیص می‌داد. برای تقویت ارتباط با ایران، در سال ۲۰۰۱ میلادی به طور ویژه مطالعات زیادی روی تاریخ ایران انجام دادم و با بسیاری از ایرانیان مقیم انگلیس صحبت کردم و توانستم شناختم را نسبت به نگرانی‌های ایران از انگلیس افزایش دهم. حالا دیگر وقت میوه چینی است تا به عنوان یک گردشگر، ایران و ایرانی را دور بزوم.

از فرودگاه لندن تا فرودگاه بین‌المللی تهران یکسره کتاب «خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیسی» را ورق زدم و مرور کردم. با خود گفتم ما انگلیسی‌ها هم برای خودمان اعجوبه‌ای هستیم. همکارم «همفر» چه قدر هنرمندانه توانسته است با کمک محمد بن عبدالوهاب، از هیچ، همه چیز بسازد. خود ما هم از بس دروغ به خورد خلق الله داده‌ایم، باورمان شده است که مذهبی به نام وهابیت وجود دارد. بعد یادپرنس «کینیاز



Jack Straw

کاندولیزا ۵+۱ را بنیان‌گذاری کردیم تا با رویکرد دو وجهی مذاکره - فشار، ایران را وادار به تسلیم کنیم؟

بالاخره هواپیما در فرودگاه بین‌المللی تهران به زمین نشست. امروز توانستم در اجلاس مقدماتی کنفرانس امنیتی مونیخ که در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه برگزار شد، شرکت کنم.

جمعه ۲۳ اکتبر - شیراز  
امروز تاسوعا بود. می‌پنداشتیم مردم مشغول عزاداری هستند و به قدم زدن‌های ما در کوچه و خیابان توجهی نخواهند داشت. اما اشتباه می‌کردیم. یک مرتبه دور تا دور ما را جمعیت گرفت و شعار عزاداران حسینی کاملاً رنگ و بوی تازه‌ای پیدا کرد. مردم یک پارچه فریاد می‌زدند: جک به خانه‌ات برگرد! و پلاکاردی را بالا بردند که روی آن نوشته بود: تو توریست نیستی بلکه تروریستی! مصلحت نبود که بیش از این در شیراز یله باشیم. دیدار ما با اصلاح‌طلبان و دانشجویان برهم خورد. ناچار راهی مرودشت شدیم و از تخت جمشید بازدید کردیم. تا کنون پنج نوبت به ایران آمده‌ام. همین مقدار برای هفت پشتم کافی است.

چهارشنبه ۲۸ اکتبر - کاشان  
امروز در راه سفر به کاشان خیلی نقشه‌ها کشیدم. هنوز به تأسیسات انرژی هسته‌ای نظیر نرسیده بودیم که خبر دادند کاشانی‌ها با ظروف آبگینه منتظرند تا از ما استقبال کنند. پرسیدم محتویات آبگینه‌ها از جنس انگور است یا خرما؟ گفتند: از جنس عقرب جراره! گفتم: این دیگر چه نوع نوشیدنی است؟ گفتند: خوردنی نیست بلکه زنی است. ناگهان پشتم لرزید. چون ذکر خیر عقرب‌های کاشان را در سفرنامه‌های اروپایی خوانده بودم. شستم خبر دار شد که نقشه شومی کشیده‌اند. حس کردم، این ماجرا از پلاکارد و شعار بالاتر است. کاشانی‌ها به جای شعار، وارد میدان عمل شده بودند. با خودم گفتم این‌ها خودشان با «عقرب آشنا» هستند و می‌دانند که چه گونه با عقرب‌ها کنار بیایند، اما من انگلیسی، طاقت نیش و زهر عقرب جراره را ندارم. به تیمسار نماینده این شهر که رئیس پارلمانی دوستی ایران و انگلیس است، زنگ زدم و گفتم: فدای آن سگرمه‌های پر جذبات بشوم. این هم شد مهمان نوازی؟ با همان لهجه شیرینش پاسخ داد: نمی‌دانم شما انگلیسی‌ها چه کار کرده‌اید که هیچ کس از شما خاطره خوبی ندارد. بعید می‌دانم به این زودی‌ها به ایران برگردم!

کاشانی‌ها به جای شعار، وارد میدان عمل شده بودند. با خودم گفتم این‌ها خودشان با «عقرب آشنا» هستند و می‌دانند که چه گونه با عقرب‌ها کنار بیایند، اما من انگلیسی، طاقت نیش و زهر عقرب جراره را ندارم. به تیمسار نماینده این شهر که رئیس پارلمانی دوستی ایران و انگلیس است، زنگ زدم و گفتم: فدای آن سگرمه‌های پر جذبات بشوم. این هم شد مهمان نوازی؟



گاهی موضوعات روز و اهمیت آنها را مرور می‌کنم. اما نه از پنجره رسانه‌ها، بلکه از نگاه جامعه. در تعامل با جامعه به این نکته می‌نگرم که مردم درباره چه موضوعاتی بیشتر صحبت می‌کنند. به نوعی در پی آن هستم تا تیتراهای مهم خبری و دغدغه‌های زندگی ایرانی را در اجتماع ببینم. اینکه مردم به چه مواردی حساسیت بیشتری نشان می‌دهند، چگونه مسائل را نقد و بررسی می‌کنند و موضوعاتی از این دست. تولید و پخش سریال «معمای شاه» یکی از مباحثی است که این روزها ذهن بسیاری از مردم را - فارغ از جایگاه اجتماعی و سطح تحصیلات به خود مشغول نموده است. گذشته از عده‌ای که از ابتدا و بدون تماشای سریال تصمیم‌شان را گرفته‌اند که موافق باشند یا مخالف، بخش بزرگی از جامعه تشویق شده‌اند تا ضمن تماشای سریال، به دنبال مطالب و منابع بیشتری بگردند.

به این بهانه و در راستای همین مساله رسالت خود می‌دانیم که در این باره بیشتر سخن بگوییم. در این شماره به بازخوانی پرونده اموال رضا شاه پهلوی می‌پردازیم. بررسی این پرونده امری نیست که صرفاً به جنبه اخلاقی شخصیت او مربوط باشد. بلکه در بازخوانی آن می‌توان رد پای مسائلی چون رابطه ثروت و قدرت، تغییر طبقات اجتماعی و تحولات سیاسی و اجتماعی را رصد نمود. اغلب اسناد و منابع داخلی و خارجی - بر ثروت اندوزی رضا شاه توافق دارند، اما در ارقام و اعداد تفاوت‌هایی وجود دارد.

«ثروت موجب نارضایتی شدید فکری

## در حاشیه سریال «معمای شاه» از رضا میرپنجی تا رضا شاهی

را له می‌کرد و از مالکان زمین‌دار عوارض سنگین می‌گرفت» (فوران، ۱۳۹۰: ۳۳۲). رضا شاه پس از استعفا، کلیه اموال منقول و غیرمنقول خود را طی سندی به پسرش محمدرضا واگذار کرد.

اموال رضا شاه از طرق مختلف به دست می‌آمد که به اختصار به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

الف) عواید شهرداری: گذشته از کاخ‌ها، مهمان‌خانه‌ها و غیره، شهرداری مدعی بود که هزینه تحمیل شده از سوی شاه بر آن نهاد معادل ۳۵۰ میلیون ریال بوده است (ترکمان، ۱۳۷۴: ۱۰۶). ب) نفت: رضا شاه در نفت جنوب دارای سهام بود و سالیانه ۱۲۰۰۰ لیتر بابت اجاره اراضی بایر نفت و لوله آن، از شرکت نفت می‌گرفت (جامی، ۱۳۷۱: ۹۸). این بدلیل مالکیت او بر زمین‌هایی بود که چاه‌های نفتی در آن قرار داشت. ج) هتل‌های گچسار، رامسر، آبعلی، دربند شمیران، فردوسی تهران، کارخانه سنگ، برنج پاک کنی و پارچه بافی شاهی به او تعلق داشت (رستمی، ج ۱، ۱۳۷۸: ۴۹). شاه صاحب کارخانه نساجی مازندران، بزرگترین کارخانه نساجی کشور بود. د) از دیگر اتهامات رضا شاه غارت جواهرات سلطنتی بود. پس از استعفا شاه، علی دشتی در مجلس فریاد می‌زد «حتی جیب‌ها و چمدان‌های او را بگردید». مثالی از این بخش از دارایی‌ها تاج سلطنتی است که ۳۳۸۰ قطعه الماس، پنج قطعه زمرد، دو

یاقوت کبود، و ۳۶۸ حبه مروارید در آن کار شده بود (جواهرات سلطنتی ایران، ۱۳۳۹: ۱).

طبق نوشته روزنامه آژیر در شهریور ۱۳۲۳ رضا شاه به طور تقریبی ۳۶۰ میلیون دلار سپرده خارجی داشته است. سپرده داخلی وی نیز از یک میلیون ریال در سال ۱۳۰۹ به ۶۸۰ میلیون ریال در سال ۱۳۲۰ رسیده بود. علایی در خاطرات خود آورده است: «رویه رضا شاه این بود که هر ملکی را که به دست می‌آورد، اداره ثبت اسناد موظف بود سند مالکیت آن ملک یا املاک را فوراً صادر و تهیه کند». رضا شاه پس از بازدید از زمین می‌گفت «ملک من نباید آماده باشد! و مثلاً راه داشته باشد».

وزارت راه مکلف بود مجاناً راه بسازد. وزارت کشاورزی تراکتورها و ماشین‌های کشاورزی را مجاناً به کار اندازد، پست و تلگراف دایر شود و در نتیجه همه و همه به خرج دولت پایان یابد. موقع خرید محصول نیز دولت می‌بایست محصولات را دو برابر قیمت واقعی بخرد (علایی، ۱۳۶۱: ۱۵۶). گسترش دامنه‌ی



ثروت شاه باعث شد تا قدرت او استوار شود و بتواند مطلق‌النعان به حکومت بپردازد. خودکامگی بیشتر شد و اصلاحات نادیده گرفته شد. در حالیکه تقسیم اراضی بین مردم از شعارهای کودتای ۱۲۹۹ بود، بزرگ مالکی رشد کرد. البته اراضی بسیاری مصادره شد اما به کشاورزان و روستائیان سهمی نرسید. در عوض شاه، نظامیان بلند مرتبه، و برخی نمایندگان مجلس طبقه‌های جدید از اشراف را شکل دادند. این ثروت اندوزی علاوه بر تضعیف ساختار تولیدی و اقتصادی کشور، باعث گسترش خودکامگی و پدید آمدن فرهنگ اشرافی گردید.

طبق نوشته روزنامه آژیر در شهریور ۱۳۲۳ رضا شاه به طور تقریبی ۳۶۰ میلیون دلار سپرده خارجی داشته است. سپرده داخلی وی نیز از یک میلیون ریال در سال ۱۳۰۹ به ۶۸۰ میلیون ریال در سال ۱۳۲۰ رسیده بود. علایی در خاطرات خود آورده است: «رویه رضا شاه این بود که هر ملکی را که به دست می‌آورد، اداره ثبت اسناد موظف بود سند مالکیت آن ملک یا املاک را فوراً صادر و تهیه کند».

تقویت کرد که دموگران بیشتر دغدغه‌ی به دست آوردن عتیقه را دارد تا چاوش‌های علمی. او در ساخت قلعه از آجرهای کتیبه‌دار ایرانی و هخامنشی به عنوان مصالح ساختمانی استفاده کرد.

### قلعه شوش

انجمن علمی فرانسه به مدت ۳۲ سال به کاوش در شوش پرداخت و آثار تاریخی بسیاری را به فرانسه منتقل کرد یکی از گران بهاترین این آثار، تندیس بزرگ و برنزی «ناپیر اسو» ملکه ایلام بود که ۱۸۰۰ کیلوگرم وزن و بیش از ۳۰۰۰ سال قدمت داشت. کم کم کشف و خروج چنین آثاری اعتراض روشنفکران ایرانی را برانگیخت و سرانجام در سال ۱۹۲۷ میلادی مجلس شورای ملی امتیاز کاوش باستان شناسی فرانسویان را لغو کرد. اما قلعه‌ی آنان در شهر شوش همچنان باقی است تا شرنگ افسوس را در دل ایرانیان بریزد و این حس را برانگیزد که دست کم ۱۰۰ سال دیر رسیدیم. آثاری که غنای فرهنگی کشور ایران را نشان می‌دهد در موزه لوور به همت چپاول و غارت فرانسوی‌ها در آنجا نگهداری می‌شود. به طور کلی امروزه بخشی از مهمترین آثار موجود در موزه لوور متعلق به ایران و مشخصاً شهر شوش هستند و بدون آنها موزه لوور این درجه از اهمیت و اعتبار کنونی را نخواهد داشت. ثروتی که در سالیان متعددی از این رهگذر نصیب فرانسویان شده، غیرقابل برآورد است.

متعلق به سر ستون یکی از کاخ‌ها بود. مادام ژان دیولافوا در خاطرات خود نوشته است که: «از اینکه نمی‌توانست این توده‌ی عظیم سنگی را حمل کند به شدت عصبانی شد و با پتک به جان سر ستون افتاد. سر ستون مثل میوه‌ی رسیده از هم شکافت و بدین ترتیب امکان حمل قطعات کوچک به فرانسه فراهم شد».

کاوش‌ها که پایان یافت نوبت به تقسیم آثار رسید. اما آنها با فریب مظفرالملک که دست نشانده ظل السلطان بود، او را مجبور کردند که در صورت چشم‌پوشی از تقسیم آثار تلاش کنند که دولت فرانسه چند مدال و نشان برای ظل السلطان ارسال نماید. بدین ترتیب در سال ۱۸۸۶ میلادی، ۳۲۷ صندوق از آثار باستانی ایران به وزن تقریبی ۵۰۰ تن از راه بندر بوشهر رهسپار پاریس شد. با ورود این آثار به پاریس، انجمن علمی فرانسه مصمم شد که امتیاز انحصاری کاوش باستان شناسی را از دولت ایران بگیرد. این امتیاز در سال ۱۸۹۵ میلادی به روزگار سلطنت مظفرالدین شاه واگذار شد. طبق قرارداد تمام اشیاء و عتیقه‌هایی که از حفاری در خاک ایران به دست می‌آمد به طور مساوی بین ایران و فرانسه تقسیم می‌شد. اما اشیاء شوش همگی متعلق به دولت فرانسه بود. سرپرست کاوش‌ها فردی به نام ژاک دموگران بود. او روی تپه‌ای مشرف به آرامگاه دانیال نبی، قلعه‌ی بزرگی را برای اقامت باستان شناسان فرانسوی و نگهداری موقت آثار بنا کرد. ساخت این قلعه به آثار تاریخی شوش آسیب زد و این گمان را

### پنجره

#### محسن سعادت

#### دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

شکوه شوش را باید هزاران کیلومتر آن سو تر در موزه‌ی لوور پاریس مشاهده کرد. جایی که تالارهایش در پرتو خواب‌زدگی عصر قاجار مملو از آثار ایرانیست. فکر بردن گنجینه‌های شوش به پاریس حدود ۱۳۰ سال پیش توسط مارسل دیولافوا مطرح شد. وی مهندس راه آهن و علاقه‌مند به معماری و باستان شناسی بود. او در سال ۱۸۸۱ میلادی همراه همسرش مادام ژان دیولافوا به ایران آمد تا درباره تأثیر معماری شرق و غرب بر روی هم تحقیق کند. این دو هنگام گردش در خوزستان به وجود تپه‌های باستانی شوش پی بردند و هنگام بازگشت به کشورشان از مدیر موزه‌های ملی فرانسه خواستند تا بودجه‌ای را برای کاوش این تپه‌ها در اختیار آنها قرار دهند. این خواسته پذیرفته و ۳۱ هزار فرانک به این خانواده پرداخت شد. آنها در سال ۱۸۸۴ برای دومین بار به ایران آمدند و با ناصرالدین شاه اجازه کاوش در شوش را به دست آوردند. طبق قرارداد ما بین آنها فلزاتی که کسب می‌شوند متعلق به دولت ایران باشد و سایر آثار نصف به نصف تقسیم شود. کاوش‌های این دو نفر از ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ میلادی طول کشید و در این مدت آثار کاخ‌های هخامنشی کشف شد. از جمله این آثار گلو سنگی بزرگی به وزن ۱۲ تن

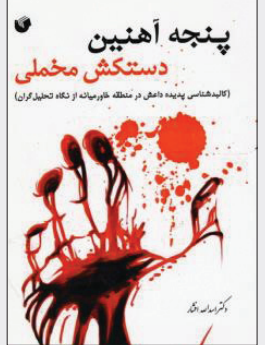
## گنجینه‌های عظیم در موزه لوور این فرانسوی فریب‌کار

مادام ژان دیولافوا در خاطرات خود نوشته است که: «از اینکه نمی‌توانست این توده‌ی عظیم سنگی را با حمل کند به شدت عصبانی شد و با پتک به جان سر ستون افتاد. سر ستون مثل میوه‌ی رسیده از هم شکافت و بدین ترتیب امکان حمل قطعات کوچک به فرانسه فراهم شد».



# نگاهی به تاریخچه شکل گیری داعش و موقعیت کنونی آن در منطقه

پخوانیم



**پنجه آهنین**  
مؤلف: اسدالله افشار  
ناشر کتاب: سفیر اردهال

در این کتاب، مؤلف در صدد است این نکته را مشخص نماید که چه عوامل متعددی در ایجاد، ابقا و دوام این گروه تروریستی مؤثر بوده است. نویسنده کتاب معتقد است آن دسته از دولت‌های منطقه که دیروز فرصت لازم را برای گروه‌های تندرو و جنایتکاری مانند داعش فراهم کردند و به جان مردم سوریه و عراق انداختند؛ اکنون باید نگران باشند که این گروه‌ها در هر یک از کشورهای اسلامی می‌توانند حضور داشته باشند و خود آن‌ها را نیز تهدید کنند. حکامی که مدت‌های مدید در صدد ایجاد اختلال در امنیت کشورهای اسلامی و حتی عربی بودند، اکنون به جایی رسیده‌اند که گروه‌های دست پرورده تروریستی را مخل امنیت خود می‌بینند و مشاهده می‌کنند که با پول‌های نفتی چگونه مولود آمریکایی و برآمده از افکار القاعده و طالبان را پرورش داده و به جان خود انداخته‌اند. اکنون دولت‌های منطقه تا فرصت دارند، ضمن حفظ انسجام در برابر این مولود آمریکایی، باید زمینه‌های این قبیل خشونت‌ها و تندروی‌ها که به نام اسلام و مسلمانان صورت می‌گیرد را از میان ببرند و با همبستگی و وحدت در کنار مردم مسلمان کشورهای منطقه قرار گیرند و بدانند که اگر جنایتکاران داعش بر اثر بی‌توجهی آنان بر امور مسلمین مسلط شوند، نامی از اسلام باقی نخواهند گذاشت و طبعاً از حکمرانی آنان نیز اثری نخواهد ماند. داعش، در واقع روی دیگری از چهره دموکراسی خواهانه واشنگتن است که در مقابل افکار عمومی جهان قرار گرفته است.

یادداشت

هادی طلوعی  
دانشجوی دکترای علوم سیاسی  
دانشگاه تربیت مدرس

پس از سرنگونی صدام حسین در عراق ش‌یعیان با فرصتی تاریخی در حیات سیاسی خویش روبرو شدند. آنان به حاکمیت حزب بعث و اقلیت سنی بر شیعیان خاتمه دادند. به گونه‌ای که تشکیل دولت ملی در این کشور توسط جریان حزب‌الدعوه، فصل جدیدی از تاریخ سیاسی و مردمی شیعیان عراق محسوب می‌شود. در این زمان کشورهای عربی که از قدرت گرفتن شیعیان در عراق و ائتلاف آنان با ایران وحشت کرده بودند، شروع به تحرکاتی علیه دولت و نیروهای جدید نظامی آن کردند.

آثار این واژه را می‌توان در کاربرد مفهوم هلال شیعی مشاهده نمود. این اصطلاح توسط رهبران دنیای عرب و تحلیل‌گران غربی اشاعه یافت و ایران را به ایجاد بلوکی از کشورهای گروه‌های شیعی در برابر اهل سنت متهم نمود. آثار این رویکرد در ائتلاف بقایای القاعده در عراق نمایان شد. گروه داعش در سال ۲۰۰۶ و پس از گردهمایی گروه‌های مسلح وابسته به

گروه داعش در سال ۲۰۰۶ و پس از گردهمایی گروه‌های مسلح وابسته به القاعده شکل گرفت. این گروه حاکمیت مرکزی دولت عراق را نشانده گرفت و در ابتدا با توجه به سکونت اهل سنت در مناطقی مانند الانبار، دیالی و بغداد آنجا را پایگاه فعالیت‌هایش قرار داد. چنین پایگاهی تا پیش از این در افغانستان و در زمان حکومت گروه طالبان ایجاد شده بود.



القاعده شکل گرفت. این گروه حاکمیت مرکزی دولت عراق را نشانده گرفت و در ابتدا با توجه به سکونت اهل سنت در مناطقی مانند الانبار، دیالی و بغداد آنجا را پایگاه فعالیت‌هایش قرار داد. چنین پایگاهی تا پیش از این در افغانستان و در زمان حکومت گروه طالبان ایجاد شده بود. پس از حمله آمریکا به عراق این کشور به پایگاه جدید فعالیت‌های آموزشی، نظامی و لجستیکی گروه‌های افراطی تبدیل شد. داعش نیز از میان این گروه‌ها سر برآورد. تا مدت‌ها مرکز فعالیت‌های این گروه‌ها در استان‌های غربی عراق بوده است.

با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی دامنه عملیات و حملات این گروه شدت گرفت و همزمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر آن در سوریه نیز فعال شدند. تصرف موصل نقطه عطفی در قدرت‌یابی این گروه بود. کنترل موصل به دلیل جمعیت نه میلیونی، موقعیت راهبردی و داشتن ذخایر نفت موجب اهمیت و قدرت‌فزاینده داعش شد. تصرف این شهر نمونه‌ای از اجرای تاکتیک جنگی داعش مبنی بر قهر و استیلا است که به سه مرحله تقسیم می‌شود؛ مرحله اول صدمه یا ترور است؛ مرحله بعدی خلأ است که وقتی در حال جنگ با دولت وقت است، خلأ حکومتی ایجاد می‌شود و وحشت حاکم می‌گردد و بعد از آن نیز مرحله تمکین‌نامیده می‌شود. واقعیت آن است که ستون نظامی گروه

و همراهی کشورهایمانند ترکیه که در ابتدا جزء حامیان داعش بودند، به بمباران مقطعی و بی‌ثمر مواضع آن پرداختند. در حال حاضر با مشارکت کشورهای هم‌چون ایران و روسیه در ائتلاف ضد تروریسم، مبارزه با این گروه مؤثرتر شده است. با توجه به اقدامات و فعالیت‌های داعش در مناطق تحت کنترلش نکاتی پایانی تحلیل ما چنین هستند: ۱- این گروه اساس فعالیت‌هایش را بر تبلیغ اسلام سلفی و بازگشت به عصر خلفای راشدین قرار داده است و مواضع تند را علیه شیعیان اتخاذ می‌کند. بنابراین تمایل برخی جوانان و گروه‌های اسلام‌گرای سنی به این گروه از عوامل قدرت آن است. ۲- گسترش طلبی ارضی و عدم به رسمیت شناختن مرزهای بین‌المللی، تمامی کشورهای منطقه را تهدید می‌کند. ۳- کشورهای چون عربستان، قطر و ترکیه حامیان منطقه‌ای این گروه می‌باشند و برخی از علمای این کشورها علناً از این جریان حمایت می‌کنند.

این موضوع سطح تنش‌ها را میان محور مقاومت به رهبری ایران و کشورهای سنی مذهب به سطح تحمل‌ناپذیری افزایش می‌بخشد. ۴- به نظر می‌رسد، مؤثرترین اقدام برای از میان بردن داعش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و تلاش برای معرفی و تبلیغ اسلام صحیح در میان جوانان خاورمیانه‌ای است.

یکی از دلایلی که موجب تسلیم موصل در مدتی کوتاه توسط داعش شد، بهره‌گیری از راهبرد وحشت‌آفرینی در میان مخالفان بود. این گروه هنگامی که شهر یا روستایی را به تصرف در می‌آورد، دست به اقدامات فجیع و غیرانسانی می‌زد و سپس تصاویر آن را در شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی پخش می‌کرد. همین امر نیز موجب واژه مردم و ارتش عراق از این گروه شد.

## دشمنی که همین نزدیکی‌هاست

به صورت کاملاً آشکارا این فرضیه را اثبات کرده است! درست است که غذای حلال در این رستوران‌ها سرو می‌شود... اما فقط مجازند موسیقی‌های آمریکایی پخش کنند... جوان‌هایی که این فضاها را انتخاب می‌کنند، ظاهراً کاملاً غربی دارند. نمی‌دانم شاید من آنقدر متمدن نشده‌ام، اما واقعاً نمی‌توانم این مسأله و خیرخواهی دشمنان حداقل سسی و اندی ساله را باور کنم. دشمن برای من هنوز همان دشمن است، فقط حالا ابزار و میدان جنگش عوض شده است. بحث جنگ نرم است و اتفاقاً خانواده، سبک زندگی و فرهنگ با تمام جزئیات و مولفه‌هایش در تیررس دشمن است.

بحتم کاملاً فرهنگی است، بحث سبک زندگی! این آزاد شدن تجارت، فقط خیرخواهی و گشایش و رفع تحریم نیست. چراکه در همه این سال‌ها و علی‌رغم همه تحریم‌های ظالمانه دیدیم که چقدر راحت، به قطعات الکترونیکی و انواع برنامه‌ها و اپلیکیشن‌های رایگان که بر رویشان نصب می‌شد و هدفشان نفوذ فرهنگی بود، دسترسی داشتیم! حالا هم قطعاً وقتی در گام‌های ابتدایی، قرار است لوازم آرایشی

## شطرنج سیاست



و توان پیش‌بینی نتایج حرکت‌های خود و رقیب. در عرصه سیاست به دلیل چندلایه بودن علل اتفاق و امری، نمی‌توان نتایج یک تصمیم و حرکت را به‌تمامی و دقیق احصاء کرد؛ امری که در شطرنج به دلیل دیدن تمامی صحنه‌ی بازی، می‌توان کنترلش کرد (البته شرط این امر نیز تسلط بازیگر به بازی می‌باشد).

شطرنج سیاست، عرصه‌ای با اصول و قواعد خاص خود است؛ که اگر به این اصول و قواعد آگاه باشیم، از توان حرکتی بیشتری در فضای سیاسی برخوردار خواهیم بود؛ در غیر این صورت و اگر تنها براساس علاقه و یا هیجان‌های دوره‌ای وارد این بازی شطرنج گردیم؛ گاه با یک اشتباه، کیش و مات می‌شویم. ایام انتخابات نزدیک است و شطرنج سیاست پذیرای بازیگران و البته بازیگردانان زیادی خواهد بود؛ شایسته است گاه صرفاً به بازی زیبای افرادی بنگریم که مسلط به این صحنه هستند؛ تا بسان سربازی نباشیم که فدای حفظ مهره‌های دیگر می‌گردد.

دارد)، ۲- آگاهی داشتن و علم به دوستان و مخالفان (در شطرنج رنگ مهره‌ها به‌وضوح هم‌کیشان و غیر هم‌کیشان را مشخص می‌سازد اما در شطرنج سیاست، گاه نزدیک‌ترین همراه نیز جاسوس می‌گردد، گاه فردی که تا دیروز رقیب رقیب تو بود، امروزه همراه رقیب می‌گردد و...)، ۳- علم به توانایی دوستان و مخالفان (در بازی شطرنج حرکت هر یک از مهره‌ها طبق قوانینی مشخص می‌باشد، اما در عرصه سیاست این امر چندان واضح نیست) و ۴- علم

در شطرنج سیاست، عرصه‌ای با اصول و قواعد خاص خود است؛ که اگر به این اصول و قواعد آگاه باشیم، از توان حرکتی بیشتری در فضای سیاسی برخوردار خواهیم بود؛ در غیر این صورت و اگر تنها براساس علاقه و یا هیجان‌های دوره‌ای وارد این بازی شطرنج گردیم؛ گاه با یک اشتباه، کیش و مات می‌شویم.

کرده و سپس کنشی داشته باشیم؛ این امر ما را از غافل‌گیری محفوظ می‌دارد. در بازی شطرنج تا زمانی که شاه امکان حرکت دارد، شکست حادث نشده (البته گاه شاه تنها امکان حرکت برای فرار دارد؛ اما این روند نمی‌تواند چندان بی‌پاید و سرانجام به کیش و مات دچار می‌گردد؛ اما امکان حرکت برای فرار شاه، نشانه‌های شکست است)؛ از همین‌رو نیز نباید شاه را در معرض خطر و تهدید رقیب قرار داد و به‌محض مشاهده خطر برای شاه، می‌بایست آن را از معرض خطر و تهدید دور کرد؛ یا با فدا نمودن مهره‌های دیگر و یا مهیا دیدن راه‌های دیگری برای حرکت شاه. اما شطرنج به‌رغم بازی استراتژیک بودنش و لازمه نگاه چندبعدی داشتن برای موفقیت در آن، هرگز پیچیدگی عرصه سیاست را ندارد و لذا شطرنج سیاست، غیر از اینکه نگاه چند بعدی و تفکر پیش از هر حرکت را می‌طلبد، مهارت‌های دیگری نیز می‌طلبد که مهم‌ترین عبارت‌اند از: ۱- نگاه تاریخی (امری که در بازی شطرنج کمتر معنا

بازی شطرنج بیاموزد، بحث حرکت است؛ در واقع در صفحه شطرنج به‌ظاهر بازیگردان مختار است به‌راحتی مهره‌های خود را مطابق قانون بازی، حرکت دهد؛ اما در واقع اگر بدون توجه به کل صفحه بازی، محل استقرار مهره‌های رقیب و البته امکانات رقیب، گاه برای حذف یک سرباز، شاه را در خطر قرار می‌دهد؛ پس شایسته است پیش از هر نوع حرکتی در فضای سیاسی تا حد مقدور تمام زمینه‌ی بازی سیاسی را به‌همراه امکانات رقیب؛ تصور

در شطرنج نمی‌تواند از مهره‌ها را سربازان تشکیل می‌دهند؛ اما امکان مانورشان در صفحه شطرنج بسیار محدود است، اما شایسته نیست این سربازان را کم اهمیت شمرده و بی‌جهت آن‌ها را فدا کنیم؛ یادمان باشد تنها مهره‌ای که در شطرنج از تقای مقام تا حد وزارت می‌یابد همین سرباز است.

سیاست و شطرنج هر دو سابقه‌ای دیرینه دارند و می‌توان قدمت آنان را به زمان‌های بسیار دور رساند؛ غیر از این شباهت بین این دو، شاهد هستیم که گاهی نیز برای توضیح برخی از مسائل سیاسی از مفاهیم و اصطلاحات مورد استفاده در شطرنج بهره می‌گیرند؛ مثلاً از اصطلاح کیش و مات برای شکست رقیبی سیاسی بهره می‌برند و... البته نام مهره‌های شطرنج نیز شاه، وزیر و سرباز می‌باشد. غرض از این مختصر بیان شباهت این دو، بیان پیچیده‌تر بودن شطرنج سیاست است؛ که می‌طلبد آگاهان و با تجربه‌ها بیشتر در این فضا حضور یابند؛ تا بازی شطرنج سیاست نیز معقول‌تر و منطقی‌تر گردد. یادمان باشد که بازی شطرنج از جمله بازی‌های استراتژیکی است که به تفکر بیش و پیش از هر نوع حرکت نیازمند است؛ اما امری که بازی شطرنج را بسیار استراتژیک می‌کند، داشتن تفکر چندبعدی در بازی است. حال درس‌های بازی شطرنج برای بازی سیاست؛ در شطرنج نیمی از مهره‌ها را سربازان تشکیل می‌دهند؛ اما امکان مانورشان در صفحه شطرنج بسیار محدود است، اما شایسته نیست این سربازان را کم اهمیت شمرده و بی‌جهت آن‌ها را فدا کنیم؛ یادمان باشد تنها مهره‌ای که در شطرنج از تقای مقام تا حد وزارت می‌یابد همین سرباز است؛ البته سربازی که لیاقت خود را ثابت کرده باشد و با موفقیت حرکات خود را انجام داده باشد، می‌تواند ارتقای مقام یابد. نکته دیگر که سیاست‌مدار باید از

## داعش خوب داعش بد!



اومانستی در غرب باعث شده تا سیاست کشورهای غربی براساس حقوق یک انسان در تراز غربی آن اتخاذ شود. گرچه این نگاه در بسیاری از موارد تاکنون دیده شده که از آن جمله می‌توان به مقوله حقوق بشر اشاره کرد. بعد از حادثه پاریس دول غربی به محکومیت داعش پرداختند و اعلام کردند که داعش باید از بین برود و به خود حق دادند تا در خاک سوریه به گروه‌های تروریستی حمله کنند بدون آنکه مجوزی از دولت قانونی سوریه دریافت کنند. بدون شک سیاست‌های غرب عامل گسترش کانون‌های تروریسم در سراسر جهان است.

یادمان نمی‌رود حمایت‌های سران فرانسه از گروه‌های تروریستی در سوریه و حرکت بر خلاف خواست مردم سوریه و دولت قانونی بشار اسد را. قطعاً همه‌ی ما حوادثی از جنس حادثه پاریس را محکوم می‌کنیم اما یادمان می‌ماند که این داعش بدی که چند روز است به جان غرب افتاده چند سالی همان داعش خوب غربی‌ها بود که در لبنان و سوریه و عراق جان مردم بیگناه را می‌گرفت.

در پاریس اتفاق افتاد و جان بسیاری از مردم بی‌گناه فرانسه را گرفت دوستان در کنار عروق‌های روشنفکریشان شمعی هم برای جان باختگان این حادثه دردناک روشن کردند و داعش را بد خطاب کردند. اما تیترا این مطلب را فقط به همین دلیل داعش خوب و داعش بد نگذاشتیم. در ابتدا ذکر شد که نگاه

تهمت‌هایی که نثار ما نکردند. گذشت تا اینکه داعش در سوریه و عراق پرچم به دست گرفت و چندین هزار نفر از مردم را قتل عام کرد و هر روز مسئولیت یک عملیات تروریستی را در بلاد اسلامی بر عهده گرفت و دوستان در محافل روشنفکری‌شان سکوت کردند. این اواخر هم بعد از عملیات خونبار و دردناکی که

از مردم یمن و لیبی و مصر و تونس در مقابل حکومت‌هایشان حمایت می‌کنید اما از اوضاع سوریه حمایت نمی‌کنید و موضع نمی‌گیرید؟ هر چه که می‌گفتیم این جنس ناآرامی‌ها مردمی نیست و اوضاع سوریه فرق می‌کند دوستان ما را به رفتار دوگانه محکوم می‌کردند و در تربیون‌هایشان چه

در آخرین مورد آن شش تیراندازی و دو انفجار انتحاری در هفت نقطه پاریس رویداد. این برای نخستین بار در تاریخ فرانسه است که عملیات انتحاری در خاک این کشور صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی در همان ساعات اولیه این حادثه دردناک، این عملیات تروریستی را به شدت محکوم کرد. پیش از این بارها جمهوری اسلامی به غرب پیرامون حمایت از گروه‌های تروریستی هشدار داده بود. اما روی سخن این نوشتار با برخی دوستان داخلی و دولت‌های غربی است. قصه پر غصه آنجاست که در همین کشور خودمان بودند روزنامه‌ها و دوستان منورالفکری که جنس ناآرامی‌های سوریه را در زمانی که بیداری اسلامی تونس، مصر، یمن، لیبی و... فرا گرفته بود را از همان جنس می‌دانستند و در مقابل به ما خورده می‌گرفتند که چگونه است که



مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.  
چشمه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.  
استفاده از مطالب نشریه، با ذکر منبع، مانعی ندارد.

## وحدت جهان اسلام، داعش را نابود می‌کند



**دکتر جلیل دارا از اساتید و هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در رشته علوم سیاسی گرایش مطالعات ایران می‌باشند. وی به مدت ۱۰ سال سمت معاونت دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را بر عهده داشتند. در این شماره از ماهنامه چشمه با ایشان به گفتگویی علمی در حول محور منشأ شکل‌گیری داعش و نقش غرب در ایجاد آن پرداختیم.**



هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

تربیت مدرس

ریشه‌های شکل‌گیری داعش و گروه‌های تروریستی نسل جدید در منطقه بعد از القاعده به کجا بر می‌گردد و غرب در تشکیل آن چه نقشی داشته است؟

به طور کلی اگر بخواهیم در خصوص منشأ شکل‌گیری همه گروه‌های اسلامی، چه از نوع افراطی و چه غیرافراطی صحبت کنیم باید بگوییم شکل‌گیری جریان‌های اسلام‌گرا بعد از فروپاشی خلافت عثمانی دو منشأ اساسی دارد: داخلی و خارجی. طبق استدلال‌های مشهور؛ مبارزه با حکومت‌های داخلی (استبداد داخلی) و از طرفی مبارزه با دخالت خارجی‌ها (مبارزه با استعمار) از دلایل شکل‌گیری جنبش‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا بوده است که عموماً با هدف بازگشت به زمان خلافت عثمانی (که به عقیده‌ی دوره‌ی درخشان هیمنه‌ی اسلام) صورت می‌گرفته است، می‌باشد. چرا که به زعم آنها با فروپاشی آن دوره؛ جهان اسلام دچار نوعی حقارت شده و از اصول اولیه‌اش فاصله گرفته است و بطور کلی بعد از دوره‌ی خلافت، جهان ما جهان سکولار شده است. از نگاه عمده موسسان این جنبش‌ها ضروری است استعمار را از جامعه‌ی اسلامی برانیم و عظمت اسلام را برگردانیم و خود جامعه اسلامی باید اصلاح شود.

از طرفی غربی‌ها با طرَح اسلام سیاسی، آن را دستاویزی برای تحلیل مخربانه جهان اسلام می‌دانند. مبنی بر اینکه اگر کشوری یا جریانی در عرصه‌ی سیاست؛ دین را دخالت بدهد و حکومت دینی یا اسلامی تشکیل شود در دست‌بندی اسلام سیاسی قرار می‌گیرد. اسلامی که سیاست زده شده؛ به نفع جامعه بشری و مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های بشری و تفکر امانیستی که غرب دارد حرکت نمی‌کند و این یکی از منشأهای تحلیل غرب از شکل‌گیری جریان‌های اسلام‌گرا می‌باشد. اعتقاد بنده این است که گروه‌های تروریستی جدید نظیر داعش نسبت به القاعده، بیشتر دستاویزی برای تحقق سیاست‌های بین‌المللی کشورهای غربی از جمله آمریکا است. حالا چرا داعش ایجاد می‌شود که یک بخش آن برمی‌گردد به دلایل درونی. داعش یک جماعت سلفی است. بطور کلی مأمون پرورش نظریه و دیدگاه تئوریک اینها عربستان است. در واقع عربستان با آمدن

می‌گذارد؟

تحلیل ناقص را دارند و معتقد هستند که در آن دوران حکمرانی دیکتاتورها خشونت و منازعه‌ای وجود نداشت؛ در حالی که در آن دوران حُفان سیاسی حاکم بود و به شکل دیگری به پیکره جهان اسلام آسیب وارد می‌کرد. اما جمهوری اسلامی ایران توانسته خودآگاهی مبارزه با تروریسم و ایجاد امنیت درون‌زا را به سایر کشورهای منطقه منتقل کند.

مُدل مقاومت ایران جایگاه خوبی بین نخبگان منطقه پیدا کرده است. اگر ائتلاف غرب و آمریکا در سرکوبی داعش جدی بود، این گروه باید به سرعت از بین می‌رفت. همان‌طور که در قضیه لیبی اتفاق افتاد و یک قدرت سیاسی با دخالت خارجی شکست خورد، اما چگونه است در اینجا که آنان این گروه را نمی‌توانند از بین ببرند؟ در مورد سوریه ایران موضع حمایت از جریان مقاومت را در پیش گرفته است، و البته ضروری است دولت نیز در قالب عملکرد سیاسی در شکل‌گیری ائتلاف‌ها به صورت قدرتمندتری عمل کند. پتانسیل شکل‌گیری ائتلاف در فضای منطقه و جهان علیه داعش وجود دارد. این پتانسیل باید حفظ شود.

ائتلاف جدیدی که میان کشورهای حامی مقاومت و روسیه شکل گرفته است چه تأثیری در منطقه خواهد داشت؟

هماهنگی بین کشورهای حامی جریان مقاومت که در مناسبات منطقه‌ای و نظام بین‌المللی اختلافات فاحشی با سایر کشورها دارند، نوعی خودآگاهی را برای دولتمردانشان ایجاد کرده است. به نظر بنده عموم مردم و قشر نخبه منطقه‌ی خاورمیانه هم به این نتیجه رسیده‌اند. این دیدگاه که مبتنی بر ائتلاف کشورها و مقاومت در برابر دست‌اندازی بیگانگان است، می‌تواند جریانی را شکل دهد که امنیت منطقه را تأمین کند. در این راستا ایران، عراق، سوریه و حزب الله لبنان اعتقاد دارند، دغدغه‌ای از سوی غرب برای حذف جریان تروریسم وجود ندارد و اتفاقاً کشورهای اروپایی و آمریکا تحقق منافعشان را در زنده بودن این جریان (تروریستی در منطقه) می‌بینند. براین اساس ائتلاف بین ایران و روسیه هر چند کمی دیر شکل گرفت؛ اما تأثیرش را گام به گام خواهیم دید.

امروز یکی از عملکردهای داعش جنگ نیابتی با جریان مقاومت در منطقه است. داعش دقیقاً جریان مقاومت را که متشکل از حزب‌الله لبنان، سوریه، یمن و ایران است، مورد حمله قرار می‌دهد. مشکل دیگر غرب از زاویه اقتصاد سیاسی قابل طرح است. مبرهن است امروزه کشورهایی که از لحاظ اقتصادی توانمند هستند، از لحاظ سیاسی هم کارآمدتر می‌باشند و نقشی مؤثر در سازمان ملل، روابط بین‌المللی و ... دارند. از طرفی منطقه‌ی خاورمیانه نیز دارای منابع انرژی است. این واقعیت به طور توأمان نقطه قوت و ضعف غرب است. آن‌ها اگر بر این منابع دست‌درازی کنند، رشد صنعتی خواهند داشت و از طرفی اگر دست نیابند در چرخه صنعتی خود دچار مشکل خواهند شد. در واقع آمریکا و کشورهای اروپایی نمی‌توانند بپذیرند که به کشورهایهایی مانند عربستان و ایران که صادرکنندگان اصلی نفت در خاورمیانه هستند، وابستگی داشته باشند. به عبارت دیگر دریافت انرژی با قیمت پایین و بدون دردسر اولویت آنهاست و این جز با مانع شدن در برابر ایجاد سازمان‌های مؤثر تعیین قیمتی چون اوپک محقق نمی‌شود. به نوعی تشکیل این گروه‌ها موجب اختلال در عملیات نفتی کشورهای خاورمیانه می‌شود و کشورهای صنعتی به راحتی حضور خود را در خاور میانه مشروع جلوه داده و با مداخله در کشورها به طرق مختلف برای دستیابی به منابع انرژی کمترین هزینه را صورت می‌دهند.

ذکر این نکته قابل اهمیت است که شکل‌گیری این گروه‌ها مربوط به وجود پتانسیل درونی و مسائل داخلی جوامعی است که این گروه‌ها در آن شکل می‌گیرند. در جامعه فعلی جهانی، مشابهت‌های میان اقوام و مذاهب بیشتر می‌شود و درک‌ها آن‌ها از همدیگر افزایش می‌یابد. با این حال پتانسیل قوم‌گرایی نیز رشد می‌کند. البته قوم‌گرایی و نزاع‌های دینی مختص جهان اسلام نیست؛ این منازعات در غرب هم وجود دارد؛ اما آن‌ها را در کشور خود کنترل می‌کنند و در جهان اسلام به آن دامن می‌زنند. موضع ایران نسبت به این گروه‌ها چیست؟ فعالیت‌های این گروه‌ها چه تأثیری بر منافع و امنیت ایران

برای سرکوبی داعش بایستی

تفکر وحدت جهان اسلامی با گرایش شیعه و سنی علیه آن شکل بگیرد. تفاوت داعش با سایر گروه‌ها از لحاظ تاکتیک و روش این است که شبکه‌های اجتماعی را به صورت ابزاری برای تبلیغ و گسترش خود می‌نگرد. اگر داعش از طریق رسانه برای طیف فریب‌خوردگانش ماندگاری دارد، ما هم باید با اقدامات پیشرفته رسانه‌ای و تبلیغاتی چهره‌ی واقعی داعش را معرفی کنیم.

مُدل مقاومت ایران

جایگاه خوبی بین نخبگان منطقه پیدا کرده است. اگر ائتلاف غرب و آمریکا در سرکوبی داعش جدی بود، این گروه باید به سرعت از بین می‌رفت. همان‌طور که در قضیه لیبی اتفاق افتاد و یک قدرت سیاسی با دخالت خارجی شکست خورد، اما چگونه است در اینجا که آنان این گروه را نمی‌توانند از بین ببرند؟